ایران آزاد

سال سوم شماره ۳۳شهریور ۱۳۹۴

ای داوه یاوه

خلایق! یاوه مسید و منگ؟!!

یا به تظاهر تزویر میکنید؟

خدمت بی مزد و منت

هر کسی باید که با ظرفیتش
جرعه یی بخشد به خلق از جام خویش
خدمت بی مزد و منت گر کنیم
کرده ایم آن گه ادای وام خویش

نویسنده	موضوع	صفحه
جبهه ملی ایران	اخطار وزارت اطلاعات به جبهه ملی ایران	۳
داود هرمیداس باوند	برجام و پیامد های آن	۴
	پیش بینی دقیق آیت الله طالقانی	۸
شهید هدی صابر	حنیف نژاد الگوی جوان ایرانی	۹
حشمت الله طبرزدی	جمال الدین خانجانی چه گناهی کرده است؟	۱۰
سعید بشیرتاش	خسران و شکست بزرگ ملی	۱۳
همنشین بهار	اوسا علم این چه رنگ بود توک علم؟	۱۶
پل آدامز–بی بی سی	آیا مردم جهان بیشتر از قبل مهاجرت میکنند؟	۱۹
علی افشاری	چرا آیت الله خمینی در شکل گیری جنگ ایران و عراق مقصر است؟	۲۱

ایمیل تماس : post4iraneazad@gmail.com
آدرس ما بر روی شبکه اینترنت www.jebhemelli.nl

اخطار وزارت اطلاعات به جبهه ی ملی ایران

دکتر حسین موسویان مسئول تشکیلات و رئیس هیئت اجرائیه جبهه ملی ایران

***وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی دوبار حسین موسویان مسئول تشکیلات و رئیس هیئت اجرائیه جبهه ملی ایران را احضار و به وی اخطار کرده که فعالیت های حبهه ملی باید متوقف شود ...**

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در روزهای ۱۹ مرداد و ۲ شهریور ۹۴، دکتر حسین موسویان مسئول تشکیلات و رئیس هیئت اجرائیه جبهه ملی ایران را احضار نموده و به ایشان اخطار کردند که فعالیت ها و تشکیل جلسات درون سازمانی جبهه ملی را باید متوقف کنند و تهدید کردند که درصورتی که جلسه ای توسط اعضای جبهه ملی تشکیل شود پرونده تدارک دیده شده برای مسئول تشکیلات را به قوه قضائیه ارسال خواهند نمود.

این درحالیست که حاکمیت جمهوری اسلامی برای نمایش دادن دموکراسی به احزاب خودی و درون حکومتی امکان میدهد تا با استفاده از مقدورات دولتی و در محل های مربوط به دولت، کنگره های وسیع تشکیل دهند وخود را در نقش اپوزیسیون قلمداد نمایند. ولی با تشکیل جلسات محدود اعضای جبهه ملی آنهم درمنازل خودشان اینگونه برخورد کرده و آنها را به ارسال پرونده به دادگاه انقلاب تهدید میکنند. **این است وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران.**

تهران – روابط عمومی جبهه ملی ایران

دوم شهریور ماه ۱۳۹۴

برجام و پیامدهای آن،

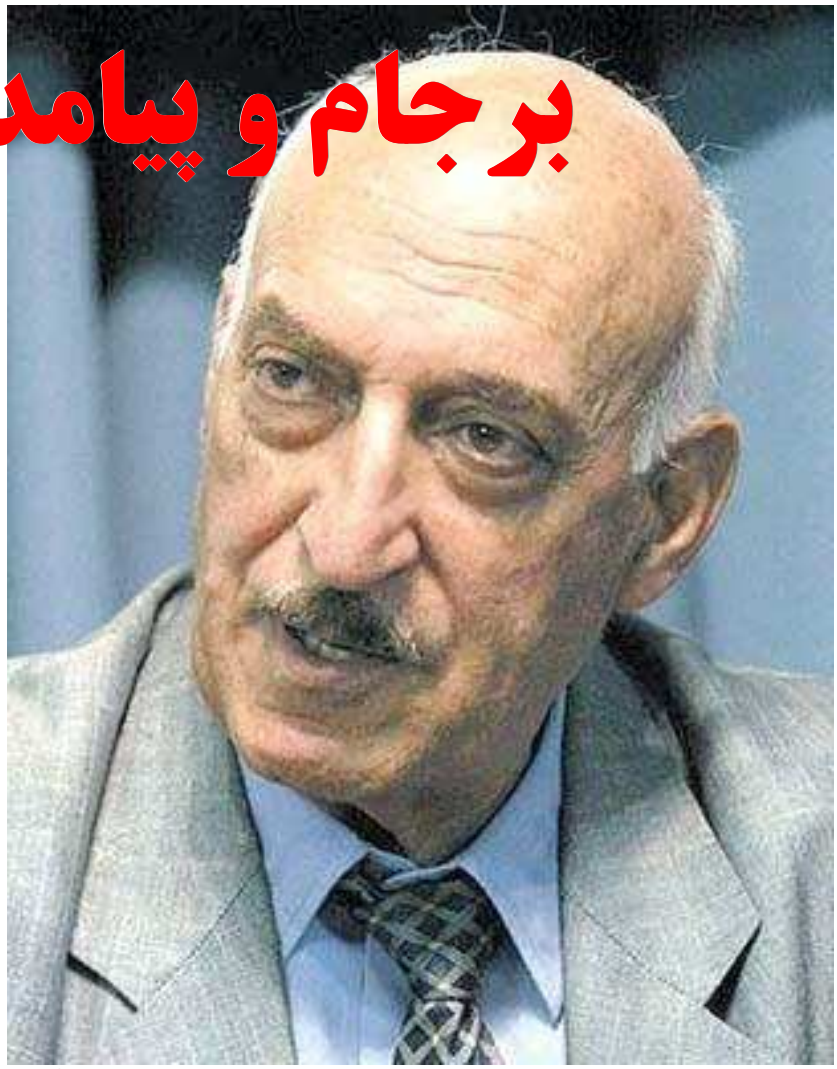

داود هرمیداس باوند سخنگوی جبهه ملی ایران

در پرتو این توافق، افق جدیدی در مناسبات ایران با جامعه بین‌المللی پدیدار گردیده و امکانات مساعد در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و تجاری وجود دارد که در خور استفاده بهینه است...اما چنانکه می‌دانیم، سیاست خارجی و پیشرفت آن ارتباط تنگاتنگی با چگونگی برخورد و حل مسائل داخلی دارد. به‌ویژه مسائلی که مرتبط به ارزش‌های جهان‌شمول و تعهدات بین‌المللی مربوط به آن است

هـــــــــــــــمـــــــــــــــوطـــــــــــــــنـــــــــــــــان،

مذاکرات ایران و نمایندگان پنج عضو دائم شورای امنیت و آلمان و نماینده سیاست خارجی اتحادیه اروپا پس از ۱۲ سال فراز و فرود و کشش و کوشش به فرآیندی موفقیت آمیز منتهی گردید. به همین جهت منابع ارتباط جمعی غرب از آن بعنوان طولانی ترین مذاکرات قرن و از نتایج حاصله آن بعنوان "توافقی تاریخی" نام برده اند. بی تردید این توافق بازتاب جهانی خاص خود را از جمله در رابطه با معادلات منطقهای خواهد داشت. بویژه آنکه این توافق در شرایطی صورت می گیرد که منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا با نابسامانیها و آشفتگیهای سیاسی و اجتماعی و آینده‌ای ابهام آمیز روبروست. همچنین بخش عمدهای از جهان غرب از جمله اتحادیه اروپا با نارسائیهای اقتصادی و مالی مواجه بوده و برای رفع آن برقراری تعاملات اقتصادی و مالی با کشورهای طالب جلب سرمایهگذاری خارجی و انتقال تکنولوژی مفید دانسته و از ایجاد شرایطی برای حصول این مقصود دید مثبت داشتنند.

به همین جهت اتحادیه اروپا همراه با آمریکا استفاده از استراتژی نرمافزاری و پیگیری مذاکرات با ایران برای حل این مسأله مورد نگرانی جهانیان را ضروری تشخیص داده، راه همسویی و همدلی با آمریکا را در پیش گرفت. زیرا فرآیند موفقیت آمیز آن را به نفع خود نیز می دانست. به همین جهت پس از توافق مورد بحث برخی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا مانند آلمان و فرانسه بلافاصله با اعزام هیأتهای به ایران برآن شدند با انعقاد قراردادهایی در عرصههای مختلف از جمله انرژی، این فرصت پیشآمده را به نفع خود تضمین نمایند.

از سوی دیگر، این توافق و صدور قطعنامه جدید از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد دائر به لغو تحریمهای اعما ل شده قبلی سبب گردید برخی مخالفان توافق مورد بحث که خود را با عمل انجام شده روبرو می دیدند مانند عربستان سعودی و دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس برآن شدند با تعدیل مواضع اولیه خود، راه همسویی با فرآیند این توافق را در پیش گیرند. بعلاوه این توافق از دو جهت موجب رفع نگرانی جهانیان گردید: یکی آنکه این توافق خطر احتمالی جنگ را اگر کاملاً برطرف نکرده است، ولی امکان آن را قویاً بی رنگ ساخته است؛ دیگر آنکه نگرانی ناشی از اینکه دسترسی ایران به سلاح هستهای، دیگر کشورهای منطقه را نیز طالب دستیابی به سلاح هستهای خواهد ساخت، منتفی دانستند. این توافق سرآغاز راه جدیدی است احتمالاً با برخی ناهمواریها. زیرا اجرای مفاد آن برای مدت قابل توجه ادامه خواهد داشت و تحقق آن ممکن است با اماها و اگرهایی در خصوص تفاسیر مربوط به جزئیات آن مواجه شود.

اما آنچه این توافق را تکمیل و اجرای آن را تسهیل می نماید، همانا صدور قطعنامه جدید از سوی شورای امنیت دائر به لغو تحریمهای قبلی است. از آنجاییکه به موجب بند ۵ ماده ۲ و ماده ۲۵ و فصل هفت منشور از جمله ماده ۴۱ آن، کشورهای عضو ملزم به رعایت و پای بندی به مصوبات شورای امنیت می باشند. بخصوص اینک که موافقتنامه مورد بحث به اتفاق آراء به تأیید شورای امنیت رسیده است، لذا اقدام برخی دولتهای عاقد موافقنامه دائر به نفی و یا ایجاد تغییراتی در متن آن و همچنین مصوبات شورای امنیت، سؤالات حقوقی جدی را مطرح خواهد ساخت. از یکسو موجب بروز تعارض بین دولتهای ۵+۱ درباره اجرای توافق خواهد شد. و از سوی دیگر نوعی بی اعتباری و بی اعتمادی نسبت به تعهدات قراردادی قوه مجریه آمریکا بوجود خواهد آورد.

بی تردید از استراتژی نرم افزاری مبتنی بر سیاست تنشزدایی و گفتگوی سازنده مورد استفاده در مذاکرات هستهای، می بایست در دیگر عرصه های مورد اختلاف بینالمللی استفاده شود. بویژه در شرایطی که منطقه دچار آشفتهزدگی سیاسی و اجتماعی است که بخشی از آن میراث اعمال استراتژی سختافزاری در افغانستان و عراق بوده است، همه و همه ایجاب می نماید که از استراتژی سخت افزاری در مناقشات منطقهای خودداری شود و فراتر از آن باید برآن بود در تعارض با قدرتهای فرامنطقهای که به نحوی از انحاء در تعاملات منطقهای ذیربط و ذیمدخل هستند بر مبنای دیالوگ سازنده و منافع متقابل در مقام حل و فصل امور فیمابین برآمد. بخصوص تجارب تاریخی نشان داده است که تعارض و برخوردها به صورت مقطعی ممکن است دستآوردهایی داشته باشد، اما تعارض و تخاصم بطور مداوم آن هم در طول زمانی گسترده حاکی از نوعی نارسایی و نابسامانی در سیاست و مناسبات خارجی آن کشور است. بنابراین واقع نگری و خرد سیاسی ایجاب می نماید در صورتی که در پرتو رویدادهای منطقهای و یا حوادث پیش-آمده نوعی همسویی و اشتراک منافع بین دو دولت متعارض پدیدار شود، میبایست از آن به عنوان فرصتهایی برای رفع اختلافات و مشکلات فیمابین و استقرار زمینه همکاریهای جدید بر اساس منافع متقابل استفاده شود.و یا بر اساس موازنه منصفانه بین منافع ملی و مبانی ارزشی با آن برخورد و تصمیمات لازم جهت استفاده از فرصتهای پیشآمده اتخاذ گردد. چنانکه به گفته معروف لرد پالمرستون " دولتها در روابط و تعاملات بینالمللی نه دوستان دائمی دارند و ن دشمنان دائمی، بلکه منافع ملی دائمی دارند که می بایست فراروی تصمیم گیرندگان قرارگیرد. این واقعیت یعنی عطف توجه اولی به منافع ملی، حتی در روابط بین دولتهای متصف به ارزشهای همسو نیز مصداق داشته است. چنانکه در سالهای دهه شصت به بعد بروز اختلافات بین شوروی و چین، چین و ویتنام، بالاخره ویتنام و کامبوج که به جدایی نسبی خط مشیها و تعارض سیاسی جدی روبرو گردید، گویای این واقعیت است. همچنین باید به یاد داشت برخی گروهها که از لحاظ ارزشی مورد حمایت مالی، سیاسی و تسلیحاتی ایران بودند، پس از تجاوز عراق نه تنها از آن دولت حمایت کردند، بلکه واحدهای نظامی نیز در اختیار آن دولت گذاشتند. در همین راستا برخی از همین گروهها در آغاز خیزش بهارعرب با ۱۸۰ درجه تغییر رویه راه نزدیکی با ترکیه، مصر و عربستان سعودی را در پیش گرفتند که پس از سرخوردگیهای مجدداً بسوی ایران عطف توجه نمودهاند.

خلاصه آنکه در پرتو این توافق، افق جدیدی در مناسبات ایران با جامعه بینالمللی پدیدار گردیده و امکانات مساعد در عرصههای سیاسی، اقتصادی و تجاری وجود دارد که در خور استفاده بهینه است. از لحاظ سیاسی در این موافقتنامه جایگاه ایران بعنوان قدرت برتر منطقه و صاحب نفوذ در رابطه با معادلات ملحوظ شده است. از جهت تجاری امکان ورود ایران به سازمان تجارت جهانی و حضور بعدی آن در گروه بیست دیده می شود که البته تا حدودی بستگی به بهبود روابط با آمریکا دارد.

روزنامه شرق
سه‌شنبه ۹ خرداد ۱۳۹۱ - ۷ رجب ۱۴۳۳ - ۲۹ می ۲۰۱۲ - سال نهم
۶۲درصد مدال‌آوران ایرانی رقابت‌های علمی جهانی از کشور رفتند
المپیاد مهاجرت

اما چنانکه می دانیم، سیاست خارجی و پیشرفت آن ارتباط تنگاتنگی با چگونگی برخورد و حل مسائل داخلی دارد. بویژه مسائلی که مرتبط به ارزشهای جهانشمول و تعهدات بینالمللی مربوط به آن دارد. تعهداتی که پس از تصویب مجلس در زمره قوانین داخلی درآمدهاند و قوای سهگانه ملزم به رعایت آنها میباشند.بی شک اقدامات ناظر به حل مسائل عمده داخلی چون حقوق بشر و آزادیهای اساسی که در ضمن ایفای تعهدات بینالمللی ایران نیزتلقی می شود، اثرات تسهیل کننده در حل و فصل مسائل سیاسی خارجی در پی خواهد داشت.

اینک که دولت روحانی در پی سیاست تنش زدایی و گفتگوی سازنده، به حل این مسأله خطیر نائل گردیده است ، انتظارات و مطالبات عمومی آن است که در رابطه با حل مسائل داخلی اقداماتی در زمینههای زیر انجام گیرد:

۱. از آنجاییکه انتخابات مجلسین در پیش است و برگزاری انتخابات آزاد نیاز به فضای سیاسی و اجتماعی باز، و وجود و حضور جوامع مدنی سازمان یافته، احزاب و مطبوعات پویا می باشد، لذا قبل از هرچیز میبایست زندانیان سیاسی آزاد، رفع توقیف و محدودیت از مطبوعات و تعدیل فضای امنیتی صورت گیرد. و برای تمامی شهروندان ایرانی متصف به هر نوع باور و عقیده و اعتقاد، امکان شرکت در انتخابات، اعم از انتخاب کردن و انتخاب شدن در نظر گرفته شود. و از ادامه بیش از سه دهه برخورد تبعیضآمیز نسبت به شهروندان و تقسیم آنها به خودی و غیرخودی، استفاده از عناوین بازدارنده مشارکت مردمی مانند وابستگان به گروهکها و اطلاق واژههای مجعول واجد سرکوبگری به تجمعات قانونمند مسالمت آمیز و معترض به نادرستیها و خلافکاریهای نهادهای حکومتی پایان داده شود. همچنین در این راستا شورای نگهبان از برخورد گزینشی-جناحی درباره نامزدهای انتخاباتی خودداری و در این رابطه اصول جامعیت، بیطرفی، معدلت طلبی و مصلحت سیاسی و اجتماعی وقت را ملحوظ دارد. در همین رابطه تجمعات مسالمت آمیز معلمان جهت احقاق حقوق حقه صنفیشان محترم شمرده شود و با در نظر گرفتن جایگاه اجتماعی و فرهنگی والای آنها به حداقل درخواستهای ایشان دائر بر رفع مشکلات مالی و معیشتی آنها، اقدامات لازم انجام گیرد و نمایندگان منتخب آنان از زندان آزاد شوند. همچنین با تقاضاهای صنفی کارگران طبق قانون کار و ضوابط پذیرفته شده سازمان بینالمللی کار از جمله ایجاد اتحادیه یا سندیکای کارگری، حق اعتصاب و غیره برخورد شود. تا ضمن تأمین نیازمندیهای این طبقه محروم در مورد آزادی نمایندگان آنها اقدامات عاجل انجام شود. و بالاخره به فضای امنیتی حاکم بر دانشگاهها پایان داده شود. استقلال دانشگاهها تأمین گردد. و انتخاب ریاست دانشگاهها و رؤسای دانشکدهها بعهده اساتید و نمایندگان انجمنهای دانشجویی گذاشته شود. با ایجاد هرچه بیشتر کانونهای علمی، پژوهشی، ادبی و ایجاد جوامع مدنی سازمان یافته، امکانات لازم برای فعالیتها و پیشرفتهای علمی، اجتماعی و سیاسی آنها در نظر گرفته شود. و بدینترتیب برای تغییر جو یأس و بی تفاوتی حاکم بر فضای دانشجویی و انگیزه روزافزون آنها برای خروج از کشور وحتی جلای وطن تدابیر لازم اتخاذ گردد.

۲. در عرصه اقتصادی، داراییهای آزاد شده و سرمایههای وارده بایستی عمدتاً معطوف به فعالیتهای تولیدی اشتغال زا شود و بدینترتیب نه تنها به اقتصاد دلالی و واسطه گری که بیش از سه دهه گریبانگیر کشور شده و موجب نابسامانیهای اقتصادی گردیده، مورد بازنگری قرارگیرد، بلکه فضای مناسب برای بخش خصوصی فعال فراهم شود. البته فعالیتهای بخش خصوصی در صورتی قرین موفقیت خواهد بود که از سلطه نهادهای شبه دولتی که امور اقتصادی و مالی کلان کشور را در انحصار دارند، برکنار باشد. به دیگر سخن، آزادی عمل اقتصادی داشته باشد. حصول این مقصود تا حدود زیادی بستگی به تجدیدنظر در ساختار نظام مالی و مالیاتی کشور دارد. زیرا به گفته مقامات رسمی، ۴۲٪ مالیات دهندگان که از پرداخت مالیات مستثنی هستند، همانا نهادهایی میباشند که انحصار امور اقتصادی و کلان کشور را در دست دارند. برخی از آنها تحت پوشش عناوین قدسیه خود را محق معافیتهای مالیاتی می دانند و در این رهگذر از دیگر سوءاستفادههای غیرقانونی ابایی ندارند. فراتر از آن پایان دادن به اعمال غیرقانونی کسان یا نهادهایی که در لوای ارتباطات شبه دولتی سالانه بیش از ۳۵ میلیارد دلار کالای قاچاق به کشور وارد می کنند. بالاخره سامان دادن به نارساییهای موجود در اقتصاد ترانزیت کشور. همانطوریکه گفته شد ورود سرمایههای خارجی عمدتاً باید معطوف به فعالیتهای تولیدی و اشتغال زا باشد، از جمله در رابطه با رفع نارساییهای موجود در زمینه صنعت انرژی. چنانکه می دانیم در ۲۷ حوزه مشترک با همسایگان بدلیل عدم دستیابی ما به تکنولوژی پیشرفته مورد نیاز سبب گردیده که دولتهای طرف مقابل به سبب دسترسی به تکنولوژی مورد بحث، در حال بهره برداری گسترده از حوزههای مشترک باشند و ما به ۳/۱ تولید و یا کمتر بسنده نماییم. اینک انتظار این است که در پرتو توافق انجام شده، موانع دسترسی به تکنولوژی مورد نیاز برطرف گردد و در مورد ترمیم چاههای فرسوده و پروژههای نیمه تمام اقدامات لازم صورت گیرد. بالاخره در رابطه با اوپک با توجه به اینکه اینک آمریکا از وارد کننده انرژی به صادرکننده نفت و گاز تبدیل شده است، لذا نفوذ برخی از اعضای اوپک بعنوان بزرگترین تولید کننده در تصمیمگیریهای اوپک با کاستی-های جدی روبرو خواهد شد. بنابراین باید تدابیر جدیدی در رابطه با بازنگری انتخاب دبیرکل براساس چرخش و گردش منصفانه بین اعضا صورت گیرد.

۳. انتظار دیگر این است دولت در مورد

صنعت توریسم یا اکوتوریسم که در وضع نامطلوب است بازنگری خاص بنماید. زیرا امروزه گردشگری به اندازهای در اقتصاد کشور اهمیت پیدا کرده که به گردشگران لقب "صادرات نامریی" را دادهاند. بر اساس آمارهای سازمان جهانی گردشگری در سال ۲۰۱۵، اسپانیا با جلب ۸۸ میلیون گردشگر و فرانسه ۸۴ میلیون و ترکیه ۴۵ میلیون در صدر کشورهای توریستپذیر جهان قرار گرفتند. درآمد ترکیه در این سال بیش از ۳۸ میلیارد دلار بوده است. نکته در خور توجه اینکه توسعه اقتصادی ترکیه با محوریت توریسم پایهریزی شد. بطن و حاشیه این صنعت را به بخش خصوصی واگذار کردند، اما در کشور ما با اینکه ایران از لحاظ میراث فرهنگی و جاذبههای باستانی در زمره ۵ کشور برتر جهان و از لحاظ تنوع اقلیمی جزو ۱۰ کشور برتر قراردارد و از منظر گردشگری با داشتن سواحل دریای عمان، خلیج فارس و دریای مازندران و همچنین داشتن ۳۳ جزیره بزرگ و کوچک در خلیج فارس، و آشوراده در دریای مازندران جاذبههای فراوانی دارد. ولی از جهت صنعت توریسم بر اساس گزارش مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۱۵ از لحاظ شاخص رقابت پذیری در صنعت گردشگری که مبتنی بر عوامل همچون شرایط محیط کسب و کار، امنیت، سلامت و سرمایه انسانی می باشد رتبه ۹۷ جهان را بخود اختصاص داده است. گذشته از برخی نارسائیها در مورد شاخص رقابتپذیری در صنعت گردشگری ایران، عاملی که نقش بازدارنده در خصوص توسعه صنعت گردشگری دارد همانا برخورد ارزشی با گردشگران بویژه گردشگران خارجی است. یکی دیگر از چالشهای جدی توسعه گردشگری در کشورمان این است که صنعت هتلداری که از مهمترین شاخهها و در حقیقت زیرساخت جلب گردشگر به کشور است، با مشکلات بزرگ و کوچک مواجه بوده و راهکاری مطلوب برای رفع این مشکلات تدبیر نشده است. علاوه بر این صنعت هتلداری در ایران نظیربسیاری دیگر از صنایع دارای ترکیبی از بخش دولتی و خصوصی است. به طور قطع صنعت هتلداری نیازی به ورود بخش عمومی ندارد.

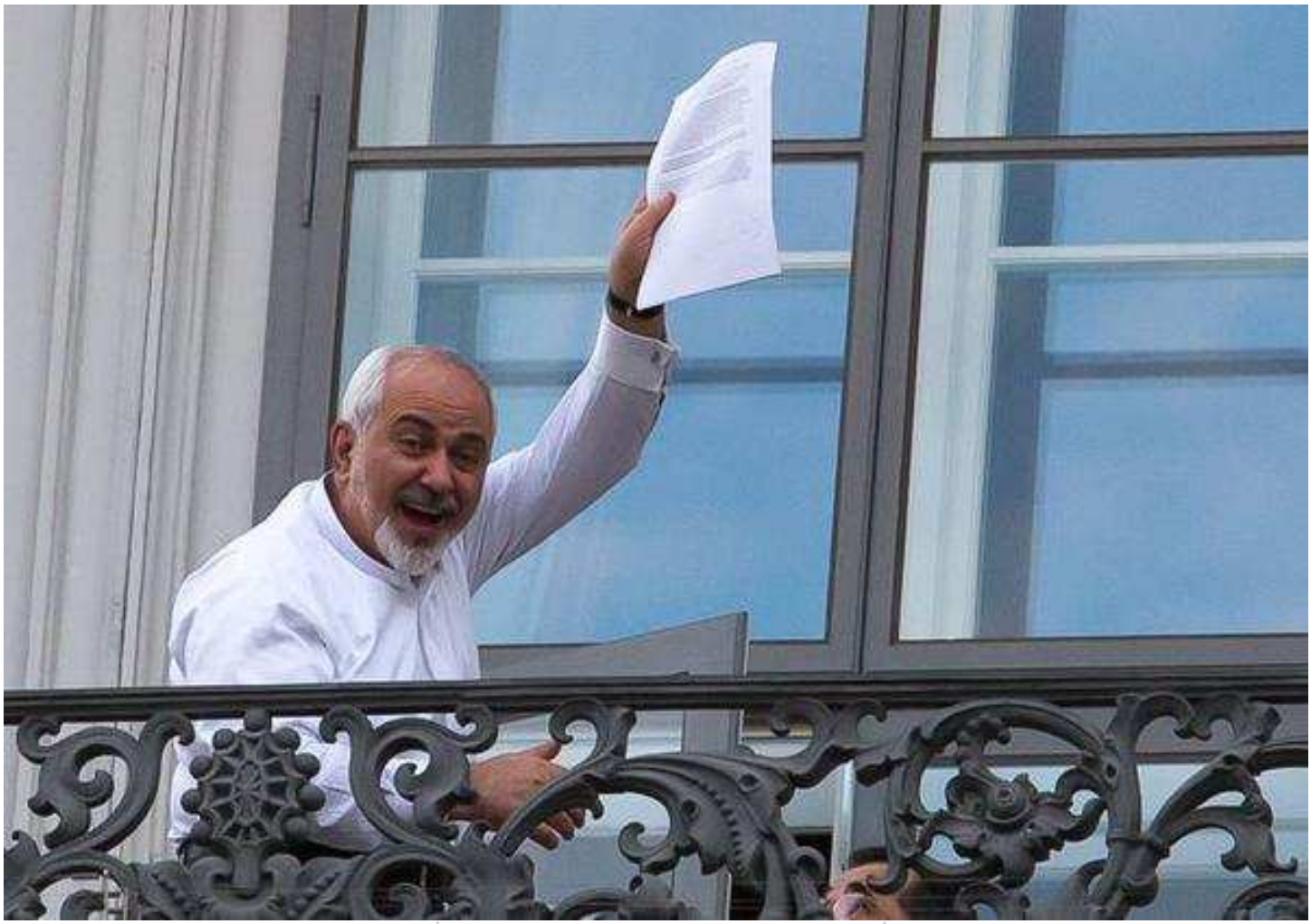

۴. بالاخره یکی از خطیرترین معضلات و در عین حال بی توجه ترین به آن در کشور ما همانا برخورد با محیط زیست و نگرانی های ناشی از آن می باشد. نگرانی مشترک جهانیان در رابطه با تخریب محیط زیست بعنوان بزرگترین چالش قرن سبب گردید که تعدیل آن را در گروی همکاری دولتها با سازمانهای بین المللی از جمله منطقهای، جوامع مدنی سازمان یافته و بخش خصوصی متصف به ارزشهای زیست محیطی اعلام دارند. بعلاوه مشارکت عمومی نیز در این مورد تا حدودی ضروری است. در این رابطه آموزش نهادهای ذیربط از جمله در سطوح دبیرستان و دانشگاهی، آگاهی و اطلاع رسانی به گروهها و نهادهای مربوطه، مشارکت جوامع مدنی و دیگر گروههای ذیربط در جریان بررسی و تصمیم گیری درباره مسائل زیست محیطی که در کشور ما تخریب بی پروای محیط زیست بوسیله گروههای سودجو وابسته به نهادهای متصف به عناوین قدسیه و یا تعاونی از جمله تخریب و آتش زدن عمدی جنگلها به منظور شهرک سازی، بدون توجه به آنکه جنگل زدایی، بیابان زایی در پی دارد. عدم توجه به اثرات جانبی سدسازی، راه سازی، و پل سازی در رابطه با تخریب تالاب ها و جنگل ها و کاهش فاحش تاسماهیان یا ماهیان خاویاری به دلیل احداث سدها که ورود آنها به رودخانه را برای تخم ریزی غیرعملی ساخته است. بخصوص با توجه به آنکه یکی از اقلام مهم صادراتی ایران خاویار بوده است. ولی اکنون بسبب آلودگیهای روزافزون اعم از دریا- پایه و ساحل- پایه از یک سو و صید بی رویه و قاچاق خارج از فصل و شن برداری از رودخانه ها از سوی دیگر. و همچنین ورود آبزی غیربومی بنام شانه دار از دریای سیاه و تغذیه ماهیهای کیلکا، خوراک ماهیان خاویاری همه و همه سبب کاهش فاحش ماهیان خاویاری و دیگر آبزیان شده است. دریغا که در این باره بدلیل عدم همراهی کشورهای ساحلی حتی در مورد دولتهای طرف قرارداد منطقه ای کویت در خصوص آبزیان فضای شکننده و آسیب پذیر خلیج فارس نیز مشهود می باشد.

باری جبهه ملی ایران ضمن پایبندی خود به آزادی، مردم سالاری، حقوق بشر و توسعه اقتصادی پایدار یعنی مبتنی بر ایجاد موازنه منصفانه بین پیشرفت اقتصادی و حفظ محیط زیست و در نظر داشتن منافع نسل حاضر و آینده و حکومت قانون، انتظار دارد پیروزی حاصله در رابطه با برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و پیروی از سیاست تنش زدایی و گفتگوی سازنده در دیگر عرصه های سیاست خارجی استمرار یابد و فراتر از آن این رویداد طلیعه میمونی برای عطف توجه به رفع مسائل و مشکلات داخلی بویژه تحقق آزادیهای اساسی، تأمین رفاه عمومی، اعتلای علمی و فرهنگی و حکومت قانون صورت گیرد.

پیش بینی دقیق آیت الله طالقانی

...به همین منوال پیش برود مستبدین و مستبدهایی بر همه ما مسلط خواهند شد. این محیط ... این محیط آزادی را اگر قدردانی نکردیم و محیط عقده گشایی... محیط عناد... و به هم ریختگی و موضعگیری قرار دادیم ، همان طوری که قران در این آیات اشاره می کند نتیجه اش پیدا شدن مستبدینی است.

همان طور که در تاریخ گذشته مان بوده است و در تمام ادوار تاریخی، دیگر رحم به صغیر و کبیرمان نخواهد کرد در چنین محیطی است که یک انسان خودخواهی و در عین حال باهوش و زرنگی سر بیرون می آورد. از چه راه مردم را می فریبد ازطریق وعده آب و نان. و من الناس من یعجبک قوله فی الحیاة الدنیا. دقت کنید. بعضی از مردمند که وقتی با شما مواجه می شوند سخرانی می کنند و شعار می دهند گفته آنها شما توده های مردم را فریفته خود می کند. وعده آب و نان، وعده مسکن در چنین محیطی. این انسان برای رسیدن به هدف همه جور وسیله را توجیه می کند

به همین منوال پیش برود مستبدین، مستبدهایی بر همه ما مسلط خواهند

دین و شرف و انسانیت را به استخدام می گیرد. دروغ می گوید، فریب می دهد. خدا را شاهد می گیرد که من دلسوزترین مردم در حق شما ملت هستم و یشهد الله علی ما فی قلبه. خدا را شاهد می گیرد برای اینکه من می خواهم این مملکت را نجات بدم. یک رضا خان... یک آریامهر و امثال اینها. و هو ألد الخصام. ولی روحیه اش لجوجترین و کینه توزترین مردم است نسبت به خلق. تا وقتی که سوار کار نشده است وعده می دهد. همین که سوار شد دیگر به هیچ چیز رحم نمی کند.

طالقانی مقالاتی در نقد استبداد دینی دارد. او در یکی از پاورقی‌هایی که بر کتاب «تنبیه الامة و تنزیه المله »نائینی نوشته، چنین آورده است: «از قوای پاسدار استبداد، شعبه استبداد دینی است. کار این شعبه این است که مطالب و سخنانی از دین یاد گرفته و ظاهر خود را آن طور که جالب عوام ساده باشد، می‌آرایند و مردمی را که از اصول و مبانی‌دین بی خبرند و به اساس دعوت پیامبران گرام آشنایی ندارند، می‌فریبند و مطیع خود می‌سازند و با این روش فریبنده، به نام غمخواری دین و نگهداری آیین، ظل الشیطان را بر سر عموم می‌گسترانند و در زیر این سایه شوم جهل و ذلت مردم را نگاه می‌دارند. این دسته چون با عواطف پاک مردم سر و کار دارند و در پشت سنگر محکم دین نشسته اند، خطرشان بیشتر و دفعشان دشوارتر است

اصولا طالقانی بزرگترین مخالف اصل ولایت فقیه بود و تا وقتی زنده بود اجازه نداد این اصل به قانون اساسی اضافه شه. تنها کمتر از یك هفته از مرگ طالقانی بود که خمینی طرح اضافه شدن ولایت فقیه به قانون اساسی رو پذیرفت (شهریور 1358)

فریاد

خانه ام آتش گرفته ست ، آتشی جانسوز
هر طرف می سوزد این آتش
پرده ها و فرشها را ، تارشان با پود
من به هر سو می دوم گریان
در لهیب آتش پر دود
وز میان خنده هایم تلخ
و خروش گریه ام ناشاد
از دورن خسته ی سوزان
می کنم فریاد ، ای فریاد ! ی فریاد

خانه ام آتش گرفته ست ، آتشی بی رحم

همچنان می سوزد این آتش
نقشهایی را که من بستم به خون دل
بر سر و چشم در و دیوار
در شب رسوای بی ساحل

وای بر من ، سوزد و سوزد
غنچه هایی را که پروردم به دشواری
در دهان گود گلدانها
روزهای سخت بیماری
از فراز بامهاشان ، شاد
دشمنانم موذیانه خنده های فتحشان بر لب
بر من آتش به جان ناظر
در پناه این مشبک شب
من به هر سو می دوم ، گ
گریان ازین بیداد
می کنم فریاد ، ای فریاد ! ای فریاد

وای بر من، همچنان می‌سوزد این آتش
آنچه دارم یادگار و دفتر و دیوان
و آنچه دارد منظر و ایوان

من به دستان پر از تاول
این طرف را می کنم خاموش
وز لهیب آن روم از هوش
ز آندگر سو شعله برخیزد، به گردش دود
تا سحرگاهان، که می داند که بود من شود نابود
خفته اند این مهربان همسایگانم شاد در بستر
صبح از من مانده بر جا مشت خاکستر
وای، آیا هیچ سر بر می‌کنند از خواب
مهربان همسایگانم از پی امداد ؟

سوزدم این آتش بیدادگر بنیاد
می‌کنم فریاد ، ای فریاد ! ای فریاد

شعر : زنده یاد استاد مهدی اخوان ثالث
اثر : از دفتر شعر "زمستان"

یادداشتی از شهید هدی صابر

حنیف نژاد الگوی جوان ایرانی

مجاهد شهید محمد حنیف نژاد

مهندس محمد حنیف نژاد به همراه یاران قهرمان خود در سال ۱۳۴۴ سازمان مجاهدین خلق ایران را تاسیس نمود. در سال ۱۳۵۰ با لو رفتن کادر مرکزی سازمان دستگیر و تحت شکنجه های فراوان قرار گرفت و سرانجام از طرف بیدادگاههای رژیم شاه به اعدام محکوم شد
هنگام اعدام , وی با ایمان تزلزل ناپذیرش و ندای قاطع الله اکبر موجب تردید و تزلزل ماموران دشمن در تیر اندازی به او شده و عده ای حاضر به این امر نشدند

خود بر صفوف دشمن فریاد زد: من محمد حنیف نژاد عضو سازمان مجاهدین خلق ایران دستور آتش میدهم و با فریاد الله اکبر به سایر شهدا پیوست.
درود بر چنین ایمان و عشق حماسه آفرین! باد
محمد حنیف نژاد در سال ۱۳۱۷ در خانواده ای فقیر در تبریز بدنیا آمد. با وجود وضع بد اقتصادی و فقر خانواده اش توانست به دانشگاه راه پیدا کند و در رشته مهندسی ماشین آلات کشاورزی , در سال ۱۳۴۲ فارغ التحصیل شود. و

در دوران دبیرستان در هیات های مذهبی و پس از ورود به دانشگاه به عنوان نماینده دانشجویان دانشکده کشاورزی وعضو نهضت آزادی ایران و مسئول انجمن اسلامی دانشجویان فعالیت میکرد. دو روز پس از رفراندم شش بهمن ۱۳۴۱ توسط ساواک ربوده شد و ۷ ماه در زندان قزل قلعه و قصر زندانی شد.در این دوران به توصیه مرحوم آیت الله طالقانی با قرآن آشنا شد و به مطالعه دقیق قرآن پرداخت. ذ

در سال ۱۳۴۲ به خدمت سربازی رفت . پس از بازگشت از خدمت با سعید محسن و چند نفر دیگر ملاقات کرد و اندیشه خود را در مورد مبارزه مسلحانه با آنان در میان گذاشت.آنان پس از مطالعه و جمعبندی مبارزات صد سال اخیر ایران هسته اولیه سازمان مجاهدین را بنیانگذاری کردند.

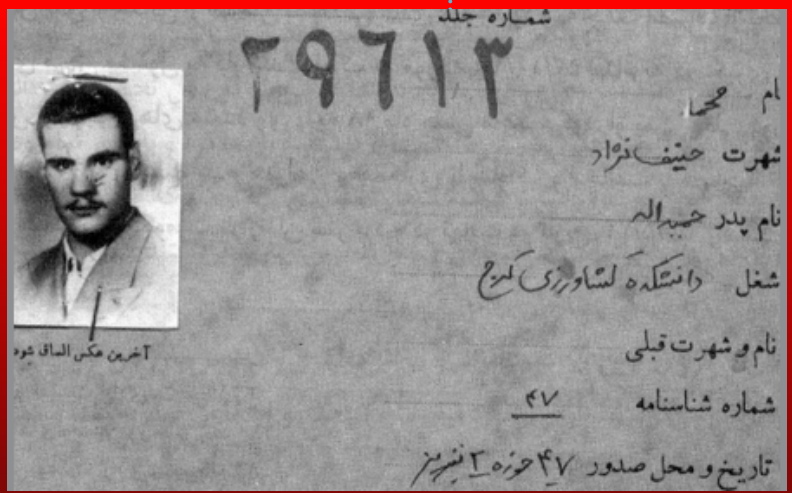
شماره جلد
۲۹۶۱۳
نام محمد
شهرت حنیف نژاد
نام پدر حبیب الله
شغل دانشکده کشاورزی کرج
نام و شهرت قبلی
شماره شناسنامه ۴۷
تاریخ و محل صدور ۴۷ حوزه ۳ تبریز
آخرین عکس الصاق شود

جمال الدین خانجانی چه گناهی کرده است؟!

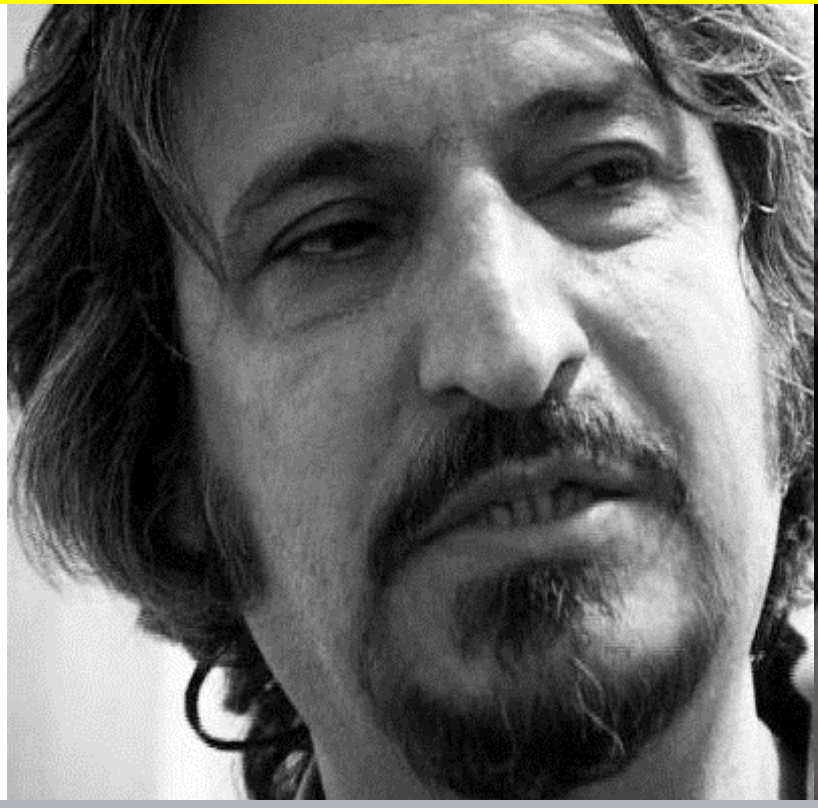

«نوشته مهندش حشمت الله طبرزدی درخصوص همبندی سابق خود جناب آقای جمال الدین خانجانی»

جمال الدین خانجانی پیرمرد 83 ساله بهایی در سالن 12 رجایی شهر محبوس است. به راستی ایا هیچ حکومتی،به جز جمهوری اسلامی که دارای ایدیولوژی جزم اندیش است، پیرمرد 83 ساله را به جرم بهایی بودن و پایبندی به اموزه های دینی اش شکنجه و زندان می کند؟ اموالش را مصادره کرده اند، فرزندانش را به حبس کشیده اند ، خودش را به 20 سال حبس محکوم کرده اند. درصورتی که او فقط یک وطن پرست است و جز سر بلندی ایران و ایرانی هیچ خواسته ای ندارد. چرا نباید کوشندگان حقوق بشری در این زمینه تلاشی انجام بدهند!چرا در اینجا نیز تبعیض و خودی و غیر خودی وجود دارد؟ایا برای این که او یک زندانی بهایی است؟ ایا این به اصطلاح طرفداران حقوق بشر درک این معنا را دارند که پیرمرد 83 ساله بودن و 7 سال زیر شکنجه بودن و در زندان رجایی شهر بودن چیست؟حکومت تصمیم دارد مرده ی خانجانی را از زندان بیرون بیندازد

اما تلاشگران حقوق بشر چرا با سکوت خود به حکومت کمک می کنند؟ انهایی که جوایز حقوق بشری را با لابی گری درو کرده اند، چرا فقط برای دوستان خود تلاش می کنند؟ایا قرارنیست این تبعیض گری متعفن از بین برود؟اگر دوستان خودشان با این وضعیت زندانی بودند، تا این حد سکوت می کردند؟ ایا جرم خانجانی این است که مسلمان نیست یاجرمش این است که با حکومت لابی گری ندارد؟کدامش؟! ممکن است جرم دیگر او این باشد که با انقلاب بهمن 57 موافق نبوده است. ایا این ها جرم است که برخی گروهها و شخصیت های نان خورده از قبل حقوق بشر، در باره ی او سکوت کرده اند؟روزی که حکومت جسد او را از زندان بیرون انداخت و در یک جای نا معلوم دفن کرد، عرق شرم بر پیشانی همه

آیا این به اصطلاح طرفداران حقوق بشر درک این معنا را دارند که پیرمرد 83 ساله بودن و 7 سال زیر شکنجه بودن و در زندان رجایی شهر بودن چیست؟ حکومت تصمیم دارد مرده ی خانجانی را از زندان بیرون بیندازد اما تلاشگران حقوق بشر چرا با سکوت خود به حکومت کمک می کنند؟

شعر: با چشم ها

شاعر: احمد شاملو

با چشم‌ها
ز حیرت این صبح نابه‌جای
خشکیده بر دریچه‌ی
خورشید چارتاق
بر تارک سپیده‌ی این روز پابه
زای،
دستان بسته‌ام را
آزاد کردم از
زنجیرهای خواب.
فریاد برکشیدم:
اینک
چراغ معجزه
مردم
تشخیصِ نیم‌شب را از فجر

درچشم‌های کوردلی‌تان
سویی به جای اگر
مانده‌ست آن‌قدر،

تا از کیسه تان نرفته تماشا
کنید خوب
در آسمان شب
پرواز آفتاب را

با گوش‌های ناشنوای‌تان
این طُرفه بشنوید:
در نیم پرده‌ی شب
آواز آفتاب را

دیدیم
گفتند: خلق نیمی
پرواز روشن‌اش را.آری

نیمی به شادی از دل

فریاد برکشیدند:با گوش جان
شنیدیم ، آواز روشنش را

باری
من با دهان حیرت گفتم :
ای یاوه
یاوه
یاوه
خلایق !
مستید و منگ؟!!
یا به تظاهر تزویر میکنید؟

از شب هنوز مانده دو دانگی.
ور تائبید و پاک و مسلمان
نماز را
از چاوشان نیامده بانگی !

هر گاوگندچاله دهانی
آتش‌فشان روشن خشمی شد :
این غول بین
که روشنیِ آفتاب را
از ما دلیل می‌طلبد.

توفان خنده‌ها...

خورشید را گذاشته،
میخواهد
با اتکا به ساعت شماطه دار
خویش
بیچاره خلق را متقاعد کند
که شب
از نیمه نیز بر نگذشته است

توفانِ خنده‌ها...

من
درد در رگانم
حسرت در استخوانم
چیزی نظیر آتش در جانم پیچید.

سرتاسر وجود مرا
گویی
چیزی بهم فشرد
تا قطره‌ای به تفته گی خورشید
جوشید از دو چشمم.

از تلخی تمامی دریاها
در اشکِ ناتوانیِ خود ساغری
زدم.

آنان به آفتاب شیفته بودند
زیرا که آفتاب
تنهاترین حقیقتشان بود
احساسِ واقعیتشان بود.
با نور و گرمی‌اش
مفهوم بی ریای رفاقت بود
با تابناکی‌اش
مفهومِ بی‌فریب صداقت بود.

ای کاش می‌توانستند
از آفتاب یاد بگیرند
که بی‌دریغ باشند
در دردها و شادی هاشان
حتی
با نان خشکشان

و کاردهایشان را
جز از برای ِ قسمت کردن
بیرون نیاورند

افسوس
آفتاب مفهوم بی‌دریغِ عدالت

بود و
آنان به عدل شیفته بودند و
اکنون
با آفتاب گونه ای
آنان را
اینگونه دل فریفته بودند !!

ای کاش می‌توانستم
خون رگان خود را
من
قطره
قطره
قطره
بگریم
تا باورم کنند.

ای کاش می‌توانستم
یک لحظه می‌توانستم ای کاش

بر شانه‌های خود بنشانم
این خلقِ بی‌شمار را،
گرد حباب خاک بگردانم
تا با دو چشم خویش ببینند که
خورشیدشان کجاست
و باورم کنند.

ای کاش
می‌توانستم!

خسران و شکست بزرگ ملی،

سعید بشیر تاش

سه شنبه 20 مرداد 1394

طبیعی است که مردم بین دو گزینهٔ "توافق هسته‌ای وین" و "ادامهٔ ماجراجویی‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی" گزینهٔ نخست را برگزینند؛ اما چنین انتخابی نه به معنای خوب بودن توافق وین است و نه به این معنا که راه‌حل بهتری وجود نداشت. کمتر کسی است که خواهان توافق هسته‌ای نبوده باشد؛ اما خواهان توافق بودن به معنای این نیست که هیچ اهمیتی به محتوای توافق ندهیم و تنها از این خشنود باشیم که توافقی شده است

عنوان این نوشتار را از سخنان آقای عراقچی، فرد شماره دوی هیئت‌های مذاکره‌کنندهٔ هسته‌ای ایران در دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی، برگرفته‌ام. او می‌گوید: »اگر برنامهٔ هسته‌ای کشورمان را بخواهیم صرفاً با معیارهای اقتصادی بسنجیم، خسرانی بزرگ است؛ یعنی اگر هزینهٔ مواد تولیدی را بخواهیم محاسبه کنیم، اصلاً تصورش را نمی‌توانیم کنیم. «

این سخنان هیچ خبر جدیدی را فاش نمی‌کند و فقط اعترافی است به برنامهٔ هسته‌ای فاجعه‌بار برای مردم ایران ــ فاجعه‌ای که صدها میلیارد دلار هزینه داشت، بیش از یک دهه منابع و فرصت‌های اقتصادی کشور را بر باد داد، و بخش بزرگی از مردم ایران را به فلاکت کشاند. در این باره در نوشتاری دیگر با عنوان »نتایج فاجعه‌بار بحران اتمی « سخن گفته‌ام.

(۱)

اما ببینیم اگر هدف برنامهٔ هسته‌ای نظامی بوده باشد، وضع از چه قرار است. عراقچی می‌گوید: »اگر سراغ بمب بخواهیم برویم، برجام شکستی کامل است. «آری، برنامهٔ هسته‌ای جمهوری اسلامی از هر دو بعد اقتصادی و نظامی شکستی کامل بوده که همهٔ هزینه‌های آن از جیب ملت ایران پرداخته شده است.

شکی نیست که برنامهٔ هسته‌ای جمهوری اسلامی از ابتدا هدفی جز تولید بمب نداشت. پاسخ عراقچی به انتقاد از تعطیلی فردو تصدیق تلویحی این هدف است: »فردو از نظر صنعتی محلی کوچک در زیر کوه است که بیش از سه‌هزار سانتریفیوژ در آنجا نمی‌شود. چه نیازی به فردو دارید؟ از نظر تولید و غنی‌سازی نیز به چنین تأسیساتی با سه‌هزار سانتریفیوژ نیازی ندارید، ارزش صنعتی و علمی ندارد. کاری که آنجا می‌شود کرد هر جای دیگر هم قابل انجام است. کار غنی‌سازی حتماً نباید زیر کوه باشد. «عراقچی ناخواسته اقرار می‌کند که تأسیسات غنی‌سازی فردو هیچ ارزش صنعتی، اقتصادی، و علمی ندارد و هدف از ساخت آن جز ساختن بمب نبوده است ــ امری که پیش از آن نیز همهٔ کارشناسان بر آن متفق القول بودند: سه‌هزار سانتریفوژ تنها به کارِ ساختن بمب می‌آید. او می‌افزاید: »زمانی که فردو را کشف کردند، متوجه شدیم که فهمیده‌اند؛ و همین که خواستند اعلام کنند، پیش‌دستی کردیم و سریع به آقای سلطانیه دستور داده شد که موضوع را به آژانس اعلام کند.«

برنامهٔ هسته‌ای جمهوری اسلامی با خرید چند سانتریفیوژ از پاکستان شروع شد ــ سانتریفیوژهایی که به‌عمد آلوده شده بودند. عبدالقدیرخان، دانشمند پاکستانی، که به جمهوری اسلامی در خرید و ساخت سانتریفیوژها کمک می‌کرد، در بازجویی‌های‌اش می‌گوید: »ژنرال اسلم‌بیگ [فرمانده وقت ارتش پاکستان] به من دستور داد که ایران را اتمی کن؛ و استنباط من این بود که اسلم‌بیگ می‌خواست ایران را گوشت قربانی کند و در برابر آمریکا قرار دهد، چون می‌ترسید آمریکایی‌ها به ما حمله کنند. «این دستور اسلم‌بیگ در زمانی بود که پاکستان در آستانهٔ دست یافتن به بمب هسته‌ای بود. فرماندهی ارتش پاکستان، که مسئول برنامهٔ هسته‌ای آن کشور بود، با این دستور می‌خواست که توجه و فشار آمریکا را از برنامهٔ اتمی پاکستان به سوی ایران منحرف کند، به‌ویژه آنکه می‌دانست که، با رفتارهای خلاف عرف و ماجراجویی‌های جمهوری اسلامی، اینکه آمریکا بپذیرد ایران به

اکنون که این برنامه به »خسران بزرگ اقتصادی «بدل و با »شکست کامل در ساختن بمب «مواجه شده است، عراقچی می‌گوید: »نباید غرور و اعتمادبه‌نفس ملی خدشه‌دار شود. مردم باید احساس کنند که دشمن سر جای خود هست، اما ما دماغش را به خاک مالیدیم. در دورهٔ دفاع مقدس عملیات کم نداشتیم که شکست خوردیم؛ اما هیچ‌گاه نمی‌گفتیم شکست خوردیم، حداکثر می‌گفتیم عدم الفتح. این عبارتی بود که شما در اخبار به کار می‌بردید. «او می‌افزاید: »در موضوع مذاکرات هسته‌ای نیز نگذارید غرور ملی خدشه‌دار بشود؛ دشمنی آمریکا را نشان بدهید که سر جایش هست، اما دستاوردهایی را هم که داشتیم به بهانهٔ آن جزئیات آزاردهنده نگذارید به کام مردم تلخ شود.«

اما شکست بزرگ جمهوری اسلامی در برنامهٔ هسته‌ای فقط اقتصادی و نظامی (ساختن بمب) نبوده و، با توافق هسته‌ای وین، حاکمیت ملی ایران نیز نقض شده است. حسن روحانی در مصاحبه‌ای با سی‌ان‌ان در مهرماه ۱۳۹۲ گفته بود: »بیش از چهل کشور امکان غنی‌سازی دارند و بسیاری از آن‌ها دارند غنی‌سازی را انجام می‌دهند.) «۲) او پس از توافق ژنو نیز گفت: »معاهدهٔ ان‌پی‌تی این حق [غنی‌سازی] را به همهٔ کشورهای امضاکننده داده است؛ و به همین دلیل هم، بیش از چهل کشور امروز در دنیا مشغول غنی‌سازی هستند.) «۳) اما، بر اساس توافقنامهٔ ژنو، ایران تنها حق نگهداری ۳۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده، یعنی هیچ، را دارد. جمهوری اسلامی، که انرژی هسته‌ای را در غنی‌سازی اورانیوم خلاصه کرده و آن را »حق مسلم ملت ایران «و خط قرمز خود در مذاکرات اعلام کرده بود، حق داشتن ۳۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده را، که به هیچ کاری نمی‌آید، پیروزی و به رسمیت شناخته شدن حق غنی‌سازی ایران از سوی جهانیان اعلام کرده است؛ در حالی که ایران، مانند هر کشور دیگری در جهان، چنین حقی را داشت و امروزه، برخلاف بقیهٔ کشورهای جهان، این حق را دست کم به مدت ۱۰ تا ۱۵ سال، از دست داده است. در اینجا وارد جزئیات توافق وین نمی‌شویم و تنها به این اشاره بسنده می‌کنیم که ایران تنها کشور جهان است که رسماً متعهد شده است هرگز و به هیچ وجه »حق « ساختن بمب هسته‌ای ندارد؛ و در نتیجه نیز، محدودیت‌ها و نظارت‌های بی‌شماری را پذیرفته است که هیچ ربطی به پروتکل الحاقی نیز ندارند، از جمله اینکه »همهٔ واردات فرآورده‌هایی که کاربرد دوگانه در امر هسته‌ای و نیز موشک‌های بالستیک دارند از کانال انحصاری ۵+۱ و با اجازهٔ آنان وارد کشور خواهد شد. «بدین گونه، با توافق‌نامهٔ وین، ایران در وارداتش تحت قیمومیت دول دیگر قرار گرفته است. هیچ کشور دیگری در جهان حاضر به پذیرش چنین شرایط خفت‌باری نیست؛ و، به همین سبب، در قطعنامهٔ شورای امنیت در خصوص توافق وین آمده است که این قطعنامه موجب ایجاد »پیشینه «و »رویهٔ حقوقی «برای دیگر کشورها نمی‌شود.

حقیقت آن است که با ایران مانند کشورهای شکست‌خورده در جنگ رفتار کرده‌اند. بی‌تردید، کمتر قراردادی در تاریخ معاصر ایران به اندازهٔ توافقنامهٔ وین ناقض حاکمیت ملی ایران بوده است. شاید به همین دلیل بود که جواد ظریف در مصاحبه‌ای در اردیبهشت ۱۳۹۴ گفت: »هیچ وقت کسی نمی‌پرسد وثوق‌الدوله تحت چه شرایطی قرارداد ۱۹۱۹ را امضا کرد؛ کسی از افرادی که مملکت را به چنین موقعیتی رساندند سراغی نمی‌گیرد. هیچ کس از بانیان جنگ‌های دوم ایران و روس سئوالی نمی‌پرسد... تاریخ فقط خائن‌هایی را که (قرارداد) ترکمن‌چای را امضا کردند نفرین می‌کند، خائن‌هایی که قرارداد دارسی را تمدید کردند، خائن‌هایی که (قرارداد) ۱۹۱۹ را امضا کردند، خائن‌هایی که با امضای نفت شمال غرور ملی را شکستند و به استالین باج دادند، خائن‌ها و سازش‌کارانی که ضعیف و جبون بودند. « ظریف می‌افزاید که برای دچار نشدن اعضای هیئت مذاکره‌کننده به چنین سرنوشت شومی در تاریخ »هیچ‌چیز به اندازهٔ شکست در مذاکرات، برای مذاکره‌کنندهٔ ایرانی، امتیاز کسب نمی‌کند. «

واقعیت این است که جمهوری اسلامی به زور فشارها و تحریم‌های سنگین بین‌المللی به پای میز مذاکره رفت و، به همین علت، برگ‌های برندهٔ چندانی در دست مذاکره‌کنندگان هسته‌ای ایران باقی نمانده بود؛ و بدتر آنکه هیئت مذاکره‌کننده مجبور بود تا به صورت ظاهری نیز که شده خط قرمزهای »رهبری« را رعایت کند و ماکتی از برنامهٔ غیراقتصادی غنی‌سازی اورانیوم را برای حفظ پرستیژ خامنه‌ای حفظ کند. در واقع، مذاکره‌کنندگان هسته‌ای، جبراً، نه بر پایهٔ منافع ملی، که بر پایهٔ منافع »نظام «و سیاست‌های کلی »رهبری « عمل می‌کردند.

جالب اینکه حتی این حد از عقب‌نشینی ایران نیز مورد قبول دولت نتانیاهو و جمهوری‌خواهان آمریکا نیست؛ چراکه از دید آن‌ها این توافقنامه از سویی موجب تغییر رفتار و سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی نمی‌شود و، از سوی دیگر، بر غنی سازی ایران تنها یک محدودیت ۱۵ ساله وضع می‌کند. عراقچی می‌گوید: سال‌های ۸۵ تا ۸۶ مقامات جمهوری اسلامی هر شب نگران حملهٔ نظامی آمریکا به ایران بودند و »حمله به ایران فقط به ارادهٔ سیاسی آقای اوباما مانده بود که تصمیم بگیرند و بزنند. «بدین ترتیب، اگر باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا نبود، احتمالاً جمهوری اسلامی مجبور می‌شد شکستی بدتر از توافقنامهٔ وین را بپذیرد و یا شاید حتی تا کنون به ایران حملهٔ نظامی شده بود. اکنون نیز، اگر کنگرهٔ آمریکا توافقنامهٔ وین را با بیش از دوسوم آراء رد کند و جمهوری اسلامی نیز به سیاست‌های تحریک‌آمیز هسته‌ای ادامه دهد، احتمالاً گزینه‌ای جز حملهٔ نظامی برای رئیس‌جمهور بعدی آمریکا باقی نخواهد ماند. هرچند که احتمال رد شدن توافقنامه در کنگرهٔ آمریکا با بیش از دوسوم آراء ناچیز به نظر می‌رسد. علت همهٔ این فشارها و خطرها سیاست‌های ایدئولوژیک جمهوری اسلامی است که بر پایهٔ »امت‌گرایی اسلامی از نوع شیعی «و »آمریکاستیزی« و »تلاش برای نابودی اسرائیل «بنا شده است. اگر سومالی و سوریه را به علت شرایط جنگی حاکم بر آن‌ها در نظر نگیریم، ایران و کرهٔ شمالی تنها دولت‌های جهان‌اند که با ایالات متحدهٔ آمریکا روابط سیاسی ندارند و جمهوری اسلامی تنها دولت جهان است که خواهان نابودی اسرائیل است. از حیث این نوع افراط‌گرایی، فقط گروه‌های طالبان و داعش با جمهوری اسلامی قابل‌قیاس‌اند.

واقعیت این است که جمهوری اسلامی به زور فشارها و تحریم‌های سنگین بین‌المللی به پای میز مذاکره رفت و، به همین علت، برگ‌های برندهٔ چندانی در دست مذاکره‌کنندگان هسته‌ای ایران باقی نمانده بود؛ و بدتر آنکه هیئت مذاکره‌کننده مجبور بود تا به صورت ظاهری نیز که شده خط قرمزهای «رهبری» را رعایت کند و ماکتی از برنامهٔ غیراقتصادی غنی‌سازی اورانیوم را برای حفظ پرستیژ خامنه‌ای حفظ کند. در واقع، مذاکره‌کنندگان هسته‌ای، جبراً، نه بر پایهٔ منافع ملی، که بر پایهٔ منافع «نظام »و سیاست‌های کلی «رهبری »عمل می‌کردند.

احتمالاً اگر هیئت مذاکره‌کنندهٔ جمهوری اسلامی قدرت داشت، برای به دست آوردن برگ‌های برنده در مذاکرات و حتی تبدیل ایران به قدرت برتر منطقه، داوطلبانه حاضر به توقف کامل برنامهٔ غنی‌سازی و عادی‌سازی روابط با آمریکا و تغییر سیاست در قبال اسرائیل می‌شد؛ اما در نظام ولایت فقیه، چنین امری ممکن نیست و چیزی بهتر از توافق وین از سیاست خارجی جمهوری اسلامی درنمی‌آید. بی‌شک، علت اصلی نتایج فاجعه‌بار هسته‌ای ساختار و ایدئولوژی معیوب جمهوری اسلامی است و نسل‌های آینده از این توافقنامه به عنوان نتیجهٔ برنامهٔ هسته‌ای به تلخی یاد خواهند کرد.

در ادامه، به طور خلاصه، دربارهٔ توقف کامل، ولی داوطلبانهٔ برنامهٔ غنی‌سازی، عادی‌سازی روابط با آمریکا، و تغییر سیاست در قبال اسرائیل توضیح می‌دهم:

ـ بر اساس توافقنامهٔ وین، تا ۱۵ سال دیگر، فقط ماکتی از غنی‌سازی حفظ می‌شود. در این مدت، ایران حق ساختن سانتریفیوژ ندارد و همهٔ شش‌هزار سانتریفیوژ بی‌کیفیت پی۱ (یا همان آی‌آر۱) مستهلک خواهد شد. چنین ماکتی به هیچ کاری، جز حفظ قلابی اعتبار خامنه‌ای، نمی‌آید. توقف داوطلبانهٔ برنامهٔ غنی‌سازی، بی‌آنکه ایران را مقید به تعهداتی بیش از پروتکل الحاقی سازد، نگرانی‌ها و بهانه‌های غربیان را تا حد زیادی از میان می‌بُرد.

ـ عادی‌سازی روابط ایران و آمریکا کاملاً در جهت منافع ملی ایران است. آمریکاستیزی تنها به سود رقیبان منطقه‌ای ایران تمام می‌شود. ایران و آمریکا در برخی زمینه‌ها دارای منافع مشترک‌اند. همکاری در این زمینه‌ها طبیعتاً در جهت منافع ملی ایران است. این حکم دربارهٔ روسیه و اروپا نیز مصداق دارد. آمریکاستیزی نه در جهت منافع ملی، که برای برآوردن نیاز نظام جمهوری اسلامی به حفظ ماهیت ایدئولوژیک خود و داشتن دشمن است.

ـ تغییر سیاست در قبال اسرائیل برای حفظ منافع ملی ایران ضروری است. نیازی نیست که جمهوری اسلامی با اسرائیل روابط حسنه داشته باشد و حتی انتظار نمی‌رود که مقاماتش مانند رئیس‌جمهور اسلامگرایی همچون اردوغان در پی گسترش روابط با اسرائیل باشند یا چون رئیس‌جمهور اسلامگرای پیشین مصر، مرسی، نامهٔ مهرآمیز به شیمون پرز، رئیس‌جمهور وقت اسرائیل، بنویسند؛ بلکه کافی است از شعارهای بی‌مورد دربارهٔ نابودی اسرائیل و تشویق حزب‌الله لبنان و حماس به درگیری با اسرائیل دست برداشت و تنها به حمایت از دولت قانونی فلسطین و محمود عباس پرداخت.

تغییر سیاست در موضوعات مذکور باعث می‌شد که ایران نه تنها به جای توافق وین به توافق مطلوبی برسد؛ بلکه موقعیت ایران در منطقه و جهان را بسیار بهبود می‌بخشید و امروز نیز شاهد بحث‌های نگران‌کننده در کنگرهٔ آمریکا نبودیم. مشکل این است که تا زمانی که تغییراتی اساسی در سیاست ایران ــ بخوانید ساختار و ایدئولوژی جمهوری اسلامی ــ پدید نیاید، منافع ملی ایران همچنان قربانی نگاه ایدئولوژیک جمهوری اسلامی باقی خواهد ماند.

کسانی که از توافقنامهٔ هسته‌ای وین حمایت می‌کنند هرگز از جزئیات و محتوای آن نمی‌گویند و تنها به این گفته بسنده می‌کنند که این توافقنامه خطر جنگ را از سر ایران دور کرد. با چنین

بحران هسته‌ای تنها بحرانی نیست که جمهوری اسلامی موجد آن بوده است. ایران هم اکنون دچار بحران‌های بسیار بزرگی است: نابودی محیط زیست؛ فساد مالی گسترده؛ نقض فاحش حقوق بشر؛ افزایش احساسات گریز از مرکز و جداسری؛ فقر و تفاوت فاحش طبقاتی؛ نظام ناکارآمد اقتصادی و عقب‌ماندگی اقتصادی کشور نسبت به بسیاری از کشورهایی که زمانی بسیار از ایران عقب‌تر بودند؛ جنگ نیابتی شیعه و سنی در منطقه و غیره. هر یک از این بحران‌ها می‌تواند مانند بحران هسته‌ای هستی کشور را به خطر بیندازد.

نگرشی، از هر گونه توافقی، با هر بهایی و بدون توجه به محتویات و نقد آن، باید حمایت کرد؛ چراکه هر توافقی خودبه‌خود خطر جنگ را از ایران دور می‌کند. گذشته از این، این افراد در موفقیت‌آمیز خواندن این توافقنامه کاسهٔ داغ‌تر از آش شده‌اند و، در اغراق، حتی از خامنه‌ای و روحانی و ظریف و عراقچی نیز پیشی گرفته‌اند و به طرزی شگفت کاملاً در چارچوب دستورالعمل وزارت ارشاد اسلامی جمهوری اسلامی دربارهٔ توافقنامهٔ هسته‌ای عمل می‌کنند. از توافقنامهٔ وین و شکست کامل برنامهٔ هسته‌ای دست کم می‌شد عبرت گرفت و خواستار پاسخ‌گویی مسئولان و، در رأس آنان، شخص خامنه‌ای شد که ایران را به این وضعیت کشانده‌اند.

در این میان طبیعی است که مردم بین دو گزینهٔ «توافق هسته‌ای وین» و «ادامهٔ ماجراجویی‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی «گزینهٔ نخست را برگزینند؛ اما چنین انتخابی نه به معنای خوب بودن توافق وین است و نه به این معنا که راه‌حل بهتری وجود نداشت. کمتر کسی است که خواهان توافق هسته‌ای نبوده باشد؛ اما خواهان توافق بودن به معنای این نیست که هیچ اهمیتی به محتوای توافق ندهیم و تنها از این خشنود باشیم که توافقی شده است. علی رغم این مسائل نباید فراموش کرد که توافقنامهٔ وین جام زهری برای شخص رهبر و حامیانش نیز بود و با پایان یافتن بحران اتمی احتمال دارد که سطح مطالبات مردم ایران نیز افزایش یابد.

در نگاهی وسیع‌تر، بحران هسته‌ای تنها بحرانی نیست که جمهوری اسلامی موجد آن بوده است. ایران هم اکنون دچار بحران‌های بسیار بزرگی است: نابودی محیط زیست؛ فساد مالی گسترده؛ نقض فاحش حقوق بشر؛ افزایش احساسات گریز از مرکز و جداسری؛ فقر و تفاوت فاحش طبقاتی؛ نظام ناکارآمد اقتصادی و عقب‌ماندگی اقتصادی کشور نسبت به بسیاری از کشورهایی که زمانی بسیار از ایران عقب‌تر بودند؛ جنگ نیابتی شیعه و سنی در منطقه و غیره. هر یک از این بحران‌ها می‌تواند مانند بحران هسته‌ای هستی کشور را به خطر بیندازد. در تاریخ ۳۶ سالهٔ جمهوری اسلامی، کشور ایران همیشه درگیر بحران‌های بزرگی بوده است. ریشهٔ همه این بحران‌ها در ساختار و ایدئولوژی معیوب جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی جمهوری بحران است. هر از چندی، عوارض یکی از این بحران‌ها چنان شدت می‌یابد که جمهوری اسلامی را مجبور به واکنش می‌کند. تا زمانی که طرف این بحران‌ها مردم ایران باشند، جمهوری اسلامی کوچک‌ترین عقب‌نشینی‌ای نمی‌کند؛ اما هرگاه طرف مقابل قدرتی خارجی باشد و جمهوری اسلامی در ضعف کامل قرار گرفته باشد، با پرداخت هزینه‌ای سنگین از جیب ملت ایران، قهرمانانه نرم می‌شود ـ وضعی که در ماجرای گروگانگیری و جنگ با عراق و برنامهٔ هسته‌ای شاهد بوده‌ایم. پیروزی هنگامی است که علت العلل این بحران‌ها رفع شود.

۱- نتایج فاجعه بار بحران اتمی
Bashirtash.org/

۲- http://www.yjc.ir/fa/news/4569123/متن-کامل-مصاحبه-رییس-جمهور-با-شبکه-cnn

۳- http://bameirankhabar.ir/Print.aspx?id=93617

خامنه‌ای در دانشگاه پاتریس لومومبا!

همنشین بهار

اوسا علَم این چه رنگ بود تو ک علَم؟

خاقانی آن کسان که طریق تو می‌روند
زاغند و زاغ را روشِ کبک آرزوست
بس طفل کآرزوی ترازویِ زَر کند
نارنج از آن خَرَد که ترازو کند ز پوست
گیرم که مارچوبه کند تن به شکلِ مار
کو زهر بَهرِ دشمن و کو مُهره بَهرِ دوست

هنوز عَرَق آن یکی «مورخ تاریخ معاصر» که با «پرویز ثابتی» و «احمد فراستی»؛ ری و روم و بغداد را بهم می‌بافت تا جنایات ساواک را توجیه کند، خشک نشده بود که سر و کله یکی دیگر از مورخین تاریخ معاصر پیدا شد که با «حجب و حیا»ی بسیار و با «دلیل و برهان» «ثابت می‌کند ۱۸ تیر ۱۳۴۳ سید علی خامنه‌ای (با همکاری حزب توده و چریکهای فدایی) از طریق تالاب انزلی رهسپار مسکو شده‌است تا به مدت چهار سال (از ۴۳ تا ۴۷) در دانشگاه پاتریس لومومبا تعلیم ببیند و سپس با هدایت کاگب KGBبرای نفوذ در شبکه‌های مذهبی به ایران برگردد!

نامبرده عکسی را هم از رهبر جمهوری اسلامی در قایق (لودکا) شاهد می‌آورَد که مثلاً تالاب انزلی در حوالی گیلان با عبا عمامه راهی شوروی سابق است!

سیدعلی‌خامنه‌ای از تالاب انزلی تا مسکو پارو می‌زند

.
نویسنده کتاب ارجمند »نه زیستن نه مرگ«، در برنامه افق صدای آمریکا؛ به حق، آن دروغ و دغل را زیر سئوال برد اما مورخ کرواتی تاریخ معاصر با خنده و با غمزه از دانشگاه پاتریس لومومبا کوتاه نیامد و روضه خودش را خواند. بگذریم که ایشان به انفجار ۷ تیر و ۸ شهریور سال ۶۰ هم که نقش سازمان مجاهدین در آن تردید برنمی‌دارد؛ گریز زد و آن وقایع را هم بنوعی گردن خود خامنه‌ای گذاشت چون گویا چشم دیدن امثال بهشتی و باهنر و رجائی را نداشته و در صدد حذفشان بوده‌است!
متاسفم که وقت هر کدام ما می‌بایست صرف پرداختن به این وارونه‌نمایی‌ها و آلودگی‌ها شود اما چه باید کرد. به قول نیمایوشیج

چهره سازان این سرای درشت
رنگدان‌ها گرفته‌اند به کف

ابتدا روشن کنم که عکس خامنه‌ای در قایق (در تالاب انزلی در جنوب غربی سواحل دریای خزر واقع در استان گیلان) مربوط به زمانی است که سیدمحمد جواد فضل‌الله (برادر سیدمحمد حسین فضل‌الله از علمای لبنان) به ایران آمده بود. نامبرده نویسنده کتاب »الامام الرضا تاریخ و دراسة«؛ همچنین صلح الامام الحسن، الامام الصادق و حجر بن عدی الکندی است.
...
زاویه و فاصله امثال من با حکومت‌های شکنجه‌گر و جبّار (پیش و بعد از انقلاب) روشن است اما این دلیل نمی‌شود که بر دغل و دروغ و بازی با تاریخ ایران صحه بگذاریم.
با شناخت اندکی که از آیت‌الله خامنه‌ای دارم می‌کوشم از سال ۱۳۴۳ تا ۴۷ به زندگی وی اشاراتی داشته باشم. این زمانی است که »مورخ «با »شرم و حیا«ی ما، با هنرپیشگی تمام وی را به مسکو و دانشگاه پاتریس لومومبا برده‌است.
...
اوایل پاییز سال ۴۳ که گویا رفیق آیت‌الله (سید علی خامنه‌ای) در دانشگاه پاتریس لومومبا با هدایت کاگب تعلیم می‌بینند، وی در مشهد است و با منصوره دختر حاج محمد اسماعیل خجسته باقرزاده ازدواج می‌کند و آیت‌الله میلانی در خانه پدر عروس در پایین خیابان خطبه عقدشان را می‌خوانَد و شاعران ارجمندی مثل غلامرضا قدسی و نعمت میرزاده (میم. آزرم) و...در روز عروسی ایشان دم در با وی (خامنه‌ای) روبوسی می‌کنند. کمی بعد عروس و داماد در منزل شیخ علی تهرانی کرایه نشین می‌شوند.
...
فردای روز تبعید آیت‌الله خمینی، خامنه‌ای در جلسه اعتراضی که منزل آیت‌الله قمی در مشهد تشکیل شد سخنرانی نمود و پس از آن‌هم بارها با آیت‌الله میلانی و دیگران از جمله شاعران و اهل ادب، گعده (نشست) داشت.
۱۲ بهمن همان سال (۱۳۴۳) در قزل قلعه به مدت کوتاهی زندانی شد. بعدها هم (سال ۴۴) در تأسیس بنگاه انتشاراتی موسوم به سپیده مشارکت نمود و ترجمه کتاب »المستقبل لهذالدین «سید قطب را با عنوان »آینده در قلمرو اسلام «در دستور کار قرار داد.
فروردین ۴۵ با مادر زن و عیال و پسر خردسالش به قم و اصفهان و نهایتاً تهران رفت و برای در امان ماندن از بازداشت توسط ساواک که معلوم نبود چرا روی ترجمه کتب سید قطب و مواردی از این قبیل آنهمه حساسیت به‌خرج می‌داد، با هاشمی رفسنجانی در خیابان نایب السلطنه، کوچه رزاق نیا، نزدیک یک تعمیرگاه پژو هم‌خانه شد.
)جالب اینجاست که علی‌رغم حساسیت ساواک به آثار سید قطب، خامنه‌ای در زندان هم زیر دید ماموران حکومتی، کتابی از وی - الاسلام و مشکلات الحضاره - را ترجمه کرد)

...

وی در همین ایام با سید محمد جواد فضل‌الله (که با وی در قایق عکس گرفته) مکاتبه داشت و در ماهای پایانی سال ۴۵ در تهران و کرج (ماه رمضان) منبر می‌رفت و برای جراحی چشم پدرش در تهران ماند و ۲۸ اسفند ۴۵ به مشهد بازگشت.

سوم فروردین سال ۴۶ خامنه‌ای و شماری از شاعران خراسانی از جمله دکتر اسماعیل خوئی منزل آقای میم آزرم بودند که خبر می‌رسد آقای رکنی دبیر شناخته شده فرهنگ از زندان ساواک آزاد شده‌است. همه با هم به دیدار وی می‌روند و از جمله وقتی خامنه‌ای، ده یازده روز بعد (۱۳ یا ۱۴ فروردین ۴۶) بازداشت می‌شود در همین خصوص در ساواک مشهد مورد سئوال قرار می‌گیرد.

خامنه‌ای تا ۲۶ تیر همان سال (حدود سه ماه) در مشهد زندانی بود. بعداً هم به‌دلیل اعتراض به حکم زندان، در دادگاه تجدید نظر شرکت کرد. (مهر ۱۳۴۶)

با وجود اینکه سابقه زندان داشت، در نیمه دوم سال ۴۶ موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی نگارش متنی در مورد حوزه علمیه مشهد را به‌وی پیشنهاد کرد و خامنه‌ای همکاری نیم‌بندی با آن موسسه داشت.

نیمه دوم فروردین ۴۷ برای رفتن به عراق برای خود و خانواده‌اش تقاضای گذرنامه کرد که ساواک اجازه نداد.

نهم شهریور ۴۷ که زلزله؛ کاخک و گناباد را در استان خراسان لرزاند، وی با خیلی‌های دیگر راهی منطقه زلزله زده شد و چندین بار در شهر فردوس منبر رفت. در زلزله بعدی که حوالی سبزوار و اسفراین روی داد در آن منطقه حضور داشت...

پس از آن هم که به مشهد بازگشت در مسجد صدیقی‌ها در بازار سرشور، همچنین در کتابخانه مدرسه میرزا جعفر تفسیر قران می‌گفت. ماه رمضان آن سال هم در تهران مجلس وعظ داشت.

...

حالا »مورخ تاریخ معاصر «با ادا و با اطوار ادّعا می‌کند وی از سال ۴۳ تا ۴۷ در مسکو و در دانشگاه پاتریس لومومبا با هدایت کاگبKGB تعلیم می‌دیده...!

این غلط اضافی را خیلی پیشتر اسمیت همپستونSmith Hempstone که از سال ۱۹۸۹ تا ۹۳ سفیر ایالات متحده در کنیا بود مرتکب گشت و ۱۱ ژوئن ۱۹۸۹ با نوشتن مقاله‌ای در روزنامه آبزرور ریپورتر (چاپ واشنگتن، آمریکا)، اسباب خنده شد. وی اگرچه پیش‌تر؛ به‌درستی بر این نکته انگشت می‌گذاشت که »قتل سیاسی و شکنجه غیر قابل قبول است و نباید مانند ابزار در خط مشی سیاسی آمریکا مورد استفاده قرار گیرد «اما

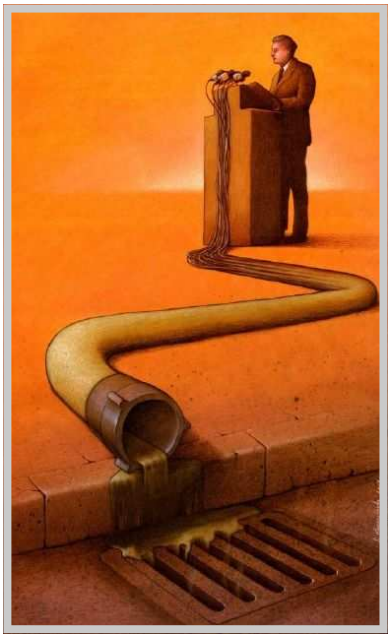

اطلاعات نادرست را هم دامن می‌زد.

امثال وی، همچنین مبلغین کتبی چون »تروریسم از دیدگاه آمریکا: Terrorism « U.S. perspectivesو »آماده شدن برای ایران مجهز به بمب هسته‌ای Getting « Ready for Nuclear-Ready Iranابایی نداشتند یاسر عرفات را هم مامور کاگب معرفی کنند.

حالا هم کسانی در نشریات و شبکه تلویزیونی انگلیسی زبان دولت روسیه برای بازارگرمی این یاوه‌ها را بازپخش می‌کنند.

اشاره به تحصیل خامنه‌ای http:// kommersant.ru/doc/430705

Выпускниками РУДН являются более 30 тыс. человек, работающих в 160 странах мира. В их числе , духовный лидер Ирана аятолла Али Хаменеи,...

...

اگرچه در »دانشگاه دوستی ملل روسیه «(پاتریس لومومبای سابق)

Российский университет дружбы народов им. Патриса Лумумбы

افراد شاخصی حضور داشته‌اند اما این دروغ که امثال محسنی اژه‌ای، محمدی ری‌شهری و سیدعلی خامنه‌ای در آنجا تعلیم دیده‌اند بازی با تاریخ کشور ما و توهین به شعور مردم ستمدیده‌ای است که با آنان و با پامنبری های رنگ و وارنگ‌شان چه در تهران باشند چه در واشنگتن، چه سفیر آمریکا در کنیا باشند چه پادوی طالبان نفت و دلار، زاویه و فاصله داشته و دارند.

متاسفم که استبداد زیر پرده دین و پادوهای رنگ و وارنگ مرتجعین همه چیز را به‌بازی گرفته‌اند و وقت هر کدام ما می‌بایست صرف پرداختن به مخالف‌خوانی‌ها و وارونه‌نمایی‌هایی شود که جز misinformation) اطلاعات گمراه کننده و غلط) و Disinformation) تکنیک هایی که با استفاده از آن تصویری اشتباه از واقعیت داده می‌شود) نیست.

برنامه افق صدای آمریکا ۱۳ اوت: راز یک انفجار

http://ir.voanews.com/

سایت همنشین بهار

http://www.hamneshinbahar.net

آیا مردم جهان بیشتر از قبل مهاجرت می‌کنند؟

پل آدامز بی‌بی‌سی

2ژوئن ۲۰۱۵ – ۱۲ خرداد

در ماه‌های اخیر مرتب گزارش‌هایی در مورد سرنوشت ناگوار مهاجرانی خوانده‌ایم که تلاش می‌کردند از طریق دریا خود را به کشورهای دیگر برسانند.
از منطقه مدیترانه گرفته تا جزایر آندامان در اقیانوس هند، مهاجران با گرسنگی و مرگ رو به رو بوده اند یا توسط قاچاقچیان مورد آزار قرار گرفته اند. با توجه به وقوع جنگ های تازه در نقاط مختلف جهان یا ادامه درگیری های گذشته، مهاجرت های گروهی گسترش یافته است.
از ماه مارس امسال نیم میلیون یمنی در داخل کشورشان آواره شده اند و از ماه آوریل صدهزار نفر از مردم بوروندی به کشورهای همسایه گریخته اند.
آمار آوارگان تکان دهنده است. هفت میلیون و ۶۰۰ هزار سوری در داخل کشورشان بی خانمان شده اند. سوری ها یک پنجم آوارگان داخلی جهان را تشکیل می هند.
آیا مردم جهان بیشتر از هر زمان دیگر مهاجرت می کنند؟
نقشه امروز جهان از مسیرهای مهاجرت مردم مانند یک تار عنکبوت شلوغ و در هم است. در نقشه زیر تنها مسیرهای عمده نشان داده شده است:

بعضی از مسیرهای مهاجرت جهانی

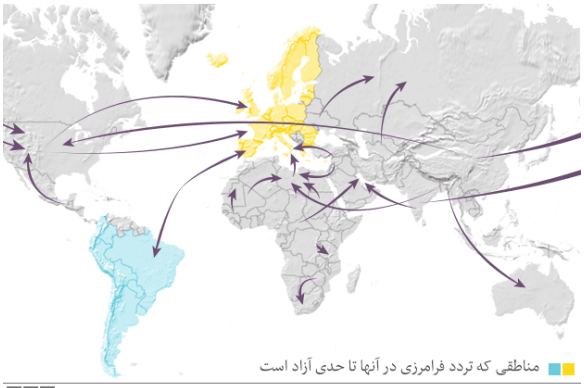

در سال ۲۰۱۳ حدود ۲۳۲ میلیون "مهاجر بین المللی" در جهان وجود داشت. تعریف سازمان ملل از مهاجر بین المللی، کسانی هستند که بیش از یک سال در خارج از کشوری که در آن به دنیا آمده اند زندگی کرده اند. این افراد شامل آوارگان، پناهجویان و مهاجران اقتصادی هستند.

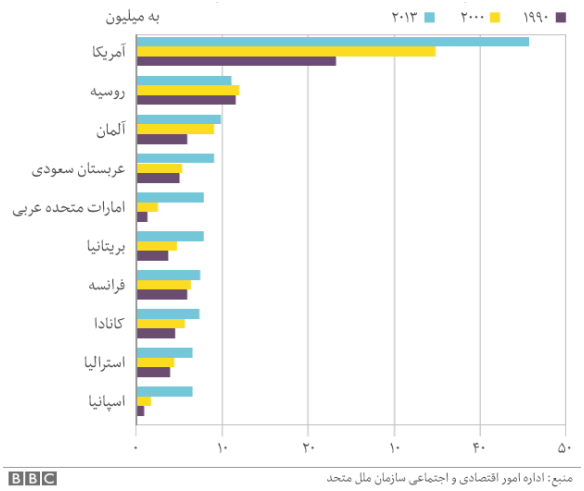

مهاجران بین المللی در کدام مناطق زندگی می کنند؟

نیمی از این مهاجران در ده کشور زندگی می کنند. بیشترین تعداد که ۴۶ میلیون نفر است در آمریکا هستند. آمریکا میزبان ۱۳ میلیون نفر است که در مکزیک به دنیا آمده اند.
بعد از آن روسیه است که میزبان مهاجرانی از جمهوری های سابق شوروی است.
در اروپا، آلمان و فرانسه بیشترین جمعیت مهاجر را به ترتیب در خود جای داده اند. مهاجران آلمان بیشتر از ترکیه و مهاجران فرانسه بیشتر از الجزایر هستند.
در امارات متحده عربی، ۸۴ درصد جمعیت مهاجر بین المللی هستند که عددی خیره کننده است.

بحران مرگبار در مدیترانه

قبل از سقوط معمر قذافی در لیبی، تعداد مهاجرانی که از مدیترانه عبور می کردند رو به کاهش گذاشته بود. ولی پس از آن دوباره افزایش یافت. در سال ۲۰۱۴ بیش از ۱۷۰ هزار مهاجر به ایتالیا رفتند که بزرگترین میزان مهاجرت گروهی به یک کشور اتحادیه اروپا در تاریخ این اتحادیه است.

مسیرهای پرخطر از آفریقا به اروپا

پیچیده ترین شبکه تارعنکبوتی از مسیرهای مهاجرت در این منطقه از جهان دیده می شود.
سفر این مهاجران هفته ها یا سال ها طول می کشد. در سال جاری از جمله بیشترین گروه هایی که لیبی عبور کرده اند ساکنان اریتره بوده اند که از سربازی طولانی گریخته اند. گروه های دیگری هم از سومالی و نیجریه بوده اند.
در شرق مدیترانه شمار زیادی از سوری ها از ترکیه به سمت یونان رفتند. افغان ها و عراقی ها هم در میان مهاجرانی که این مسیر را طی می کنند هستند.

سوریه با ملتی آواره

بیش از چهار میلیون سوری در کشورهای همسایه آواره شده اند و تعدادی بیشتر از آن در داخل کشور خانه های خود را رها کرده و به مناطق دیگر رفته اند. سوریه مبدأ اصلی پناهجویان به کشورهای صنعتی است. این مهاجرت عظیم دلیل اصلی بیشتر بودن شمار آوارگان در جهان بیش از هر زمان دیگر پس از جنگ جهانی دوم است.

اسارت به دست قاچاقچیان انسان

صحنه های دلخراش وضعیت مهاجرانی که در دریا شناورند توجه جهان را به نقش قاچاقچیان انسان و مشکلات مهاجران جلب کرده است.
گرچه نشستی که روز جمعه گذشته در بانکوک برگزار شد تلاشی است برای مهار این بحران، ولی امید چندانی به ارائه برنامه ای عملی در این مورد نمی رود.

سفر از مکزیک به سمت شمال

مرز مکزیک- تگزاس همچنان پرتعدادترین مسیر مهاجرتی دنیاست. مکزیکی ها بزرگترین گروه مهاجرانی هستند که توسط ماموران مرزی آمریکا بازداشت می شوند، ولی سال گذشته برای نخستین بار این رقم از شمار کلی مهاجرانی که از آمریکای مرکزی می آیند، کمتر شد.
مهاجرت از مکزیک به دلیل بهبود وضعیت اقتصادی آن کشور کمتر شده است هر چند وضعیت امنیتی رو به وخامت سبب مهاجرات شمار بزرگتری از مردم هندوراس، السالوادور و گواتمالا به سمت شمال از مسیرهای پرتردد شده است.
در آخرین گروه های مهاجران از آن منطقه، ده ها هزار کودک و نوجوان که به تنهایی مهاجرت کرده اند، به چشم می خورند.

جمعیت رو به رشد جهان

نسبت مهاجران بین المللی در سال های اخیر ثابت و در حدود سه درصد جمعیت دنیا بوده است.
ولی با افزایش جمعیت تعداد کسانی که در خارج از کشور محل تولدشان زندگی می کنند بیشتر می شود.
شمار مهاجران داخلی هم افزایش یافته است: آمار ۷۴۰ میلیون قطعا برآوردی محافظه کارانه است. به طور مثال برآورد دقیق از میلیون ها زارع چینی که همچنان به سوی شهرها مهاجرت می کنند، کاری بسیار مشکل است.
هزاران نفر از مردم جهان هم هر سال به دلیل بلایای طبیعی خانه های خود را ترک می کنند.
مهاجرت در سطح جهانی به موضوعی داغ برای مباحثات سیاسی تبدیل شده که ائتلاف بین کشورها و منابع آنها را به چالش می کشد.

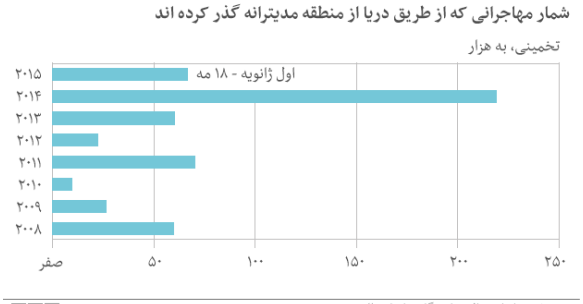

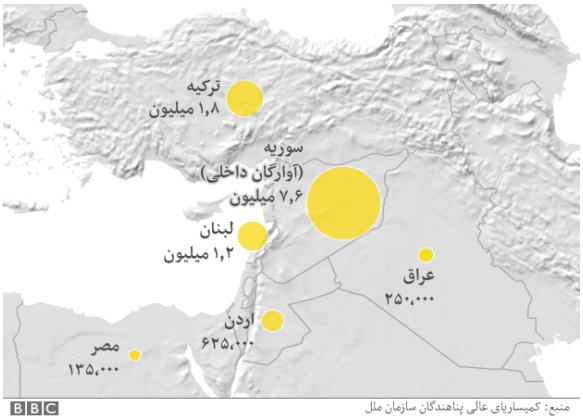

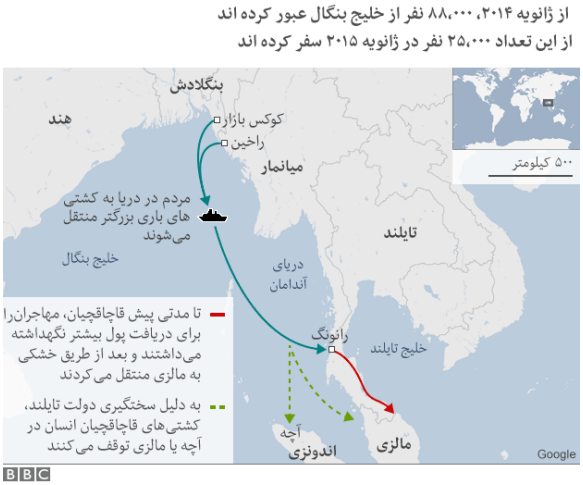

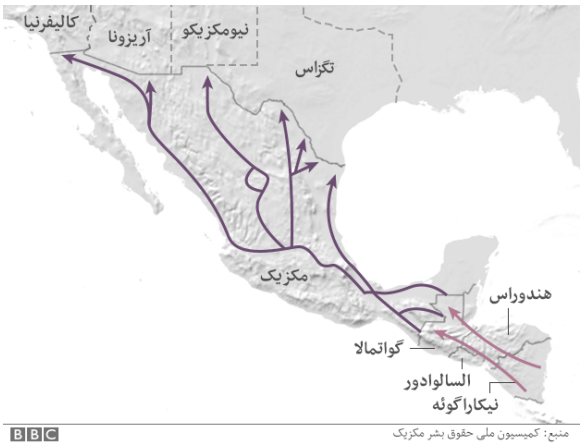

چرا آیت‌الله خمینی در شکل گیری جنگ ایران و عراق مقصر است؟

علی افشاری:

۴ مهر ۱۳۹۳

با وجود گذشت ۳۴ سال از آغاز جنگ هشت ساله ایران و عراق هنوز زوایای پنهان و ناگفته‌های زیادی از چگونگی وقوع، تداوم و پایان این رویداد مهم تاریخی وجود دارد. سالگرد هفته نخست جنگ فرصتی است تا به ابعاد مغفول این واقعه زیان‌بار برای کشور پرداخته شود.

البته زمان شروع جنگ درست اعلام نشده و بر خلاف تصور غالب، ۳۱ شهریور زمان گسترش منازعه از حملات محدود به نبردی تمام عیار است.

یکی از جنبه‌های مغفول در موضوع جنگ هشت ساله، نقش آیت‌الله خمینی در تحریک دولت وقت عراق به تهاجم نظامی به ایران است. البته بر اساس مستندات معتبر، آغازکننده جنگ صدام حسین بود. اما نه وی و نه سلفش حسن البکر هیچکدام از ابتدا قصد حمله به ایران را نداشتند. سهل‌انگاری و برخورد نامناسب مسئولان وقت حکومت و به‌خصوص تحریکات آیت‌الله خمینی باعث شد تا خواست بالقوه عراق برای تضعیف ایران جامه عمل بپوشد.

جنگ ایران و عراق

در واقع ترکیبی از عوامل تهاجمی و دفاعی، صدام حسین را به سمت این تصمیم سوق داد. شناسایی دولت وقت عراق به عنوان تجاوزگر دلیل نمی‌شود مسئولیت حکومت ایران و به‌خصوص آیت‌الله خمینی در شکل‌گیری جنگ و یا عدم انجام اقدام موثر برای بازدارندگی را نادیده گرفت.

مسئول اصلی و آغاز کننده جنگ دولت وقت عراق است. آیت‌الله خمینی و حکومت ایران نقش مستقیمی در راه اندازی جنگ نداشتند اما مواضع تحریک‌آمیز آیت‌الله خمینی و سهل‌انگاری دیگر بخش های نظام باعث شد تا زمینه برای تحقق برنامه صدام در حمله نظامی به ایران مساعد شود.

باید توجه داشت سیاست اولیه دولت عراق ایجاد رابطه خوب با جمهوری اسلامی و در عین حال تقویت قومیت عرب در معادلات سیاسی خوزستان بود. عراق اولین کشوری بود که جمهوری اسلامی را به رسمیت شناخت. حسن البکر پیروزی انقلاب و تشکیل نظام جمهوری اسلامی را به آیت‌الله خمینی تبریک گفت و خواهان روابط دوستانه شد. دولت بازرگان نیز تشکر کرد و عباس امیر انتظام سخنگوی دولت خواهان روابط برادرانه بین دو کشور شد.

در شهریور ۱۳۵۸ صدام حسین دعوت‌نامه‌ای برای مهندس بازرگان رئیس دولت موقت فرستاد تا برای بهبود روابط فی‌مابین به عراق سفر کند. اما این اتفاق نیفتاد و مسئولان دولت اهمیتی به بهبود روابط با عراق ندادند. آخرین تلاش صدام دیدار با دکتر یزدی در اجلاس کشور های غیر متعهد در کوبا بود که باز فرجام مثبتی در بر نداشت.

صدام در این دیدار صریح مشکلات را با دکتر یزدی در میان می‌گذارد و حسن نیت خود برای حل اختلافات را بیان می‌کند. متقابلا دکتر یزدی نیز از اراده جمهوری اسلامی برای ایجاد رابطه خوب با دولت عراق سخن می‌گوید.

در این میان انتخاب سید محمود دعایی به عنوان سفیر ایران در عراق نیز باعث ناراحتی صدام شده بود. بر مبنای برخی از ادعاها که بر اساس مستندات موجود، راست‌آزمایی آنها ممکن نیست، دعایی پیش از انقلاب از امکانات مالی و سیاسی دولت وقت عراق استفاده می‌کرده و از موضع پایین با مسئولان عراقی مرداوده داشته است. از این رو انتخاب وی به عنوان سفیر از دید دولت عراق عملی توهین‌آمیز تلقی می‌شد.

اما صدام دلایل مختلفی برای برخورد تهاجمی با ایران داشت. او به عنوان کسی که می‌خواست قهرمان اعراب باشد از گشودن جبهه جنگی با ایران و بخصوص جمهوری اسلامی که به عنوان جریانی شیعی داعیه صدور انقلاب به کشور های اسلامی و زعامت جهان اسلام را داشت، استقبال می‌کرد.

از سویی دیگر مسائل ژئوپلتیکی و منافع عراق نیز وی را تشویق می‌کرد تا از فرصت ضعف ارتش ایران بعد از انقلاب استفاده کرده و امتیاز هایی را که در قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر از دست داده بود، دوباره به چنگ آورد. در این میان نیم‌نگاهی نیز به الحاق بخش‌هایی از خاک خوزستان و یا تقویت اعراب خوزستان در اداره این استان داشت.

رویارویی حکومت با آمریکا و غرب‌ستیزی و همچنین روابط غیر حسنه با شوروی و کشور های عربی در منطقه نیز صدام حسین را به برخورداری از پشتیبانی منطقه‌ای و جهانی در تضعیف جمهوری اسلامی و مهار آن امیدوار ساخته بود.

دولت عراق از اول دوانیه شود اینها مجلس هم ندارند خلاصه خیال می کنند اینها دولت هستند

دفاتر گروههای سیاسی در مدارس تعطیل میشود

امام ارتش عراق را به قیام دعوت کرد

کیهان ۱۲ صفحه

کلیه دانشگاههای کشور از ۱۵ خرداد تعطیل می شوند

کارتر مجازاتهای تازه‌ای علیه ایران وضع کرد

اما آنچه به صدام حسین جرات داد تا در تحلیل آخر برای دفاع حمله را انتخاب کند، احساس خطر از حرکت‌های تحریک‌آمیز جمهوری اسلامی در بین شیعیان عراق بود. تحرک حزب‌الدعوه و تلاش برای تکرار تجربه انقلاب اسلامی در عراق زنگ خطری برای حکومت عراق بود. آغاز ترور برخی از وزراء کابینه صدام موجبی شد تا سیاست سخت‌گیری بر شیعیان و اخراج عراقی‌های ایرانی‌تبار از سوی دولت عراق کلید بخورد و در نهایت برای دفع خطر به اقدامی تهاجمی برای سرکوب نهضت اسلامی – شیعی عراق روی آورد.

با این مقدمه ،مسئولیت آیت‌الله خمینی در وقوع جنگ را می‌توان در دو محور کلی دسته‌بندی کرد. نخست تحریک و تشویق مردم عراق به قیام و براندازی حکومت حزب بعث، و سپس بی‌اعتنایی در خصوص هشدار های صدام.

تحریک به قیام در عراق

آیت‌الله خمینی به دلایل متعددی انگیزه بالایی برای دعوت به راه‌اندازی انقلاب اسلامی در عراق داشت. از دید وی انقلاب بهمن ۵۷ در ایران با انگیزه اسلامی انجام شده و محدود به مرزهای ایران نبود. وی در اندیشه بسط گفتمان انقلاب اسلامی به کل جهان اسلام و احیای خلافت اسلامی بود. در این مسیر عراق را به دلیل حضور قوی مراجع شیعه نزدیک ترین کشور به ایران می‌دانست. از این رو سعی کرد تا شیعیان عراقی را برای تکرار تجربه جمهوری اسلامی تشویق نماید. در عین حال وی نظر شخصی منفی به حکومت عراق و شخص صدام حسین نیز داشت و انها را در جبهه کفر و غیر اسلامی به شمار می‌آورد.

او در هنگام اقامت در عراق روابط تنش‌آلودی با دولت این کشور داشت و حاضر به همکاری با آنها در دعوای ایران و عراق نشده بود. صدام مدعی بود که همه خواست‌های آیت‌الله خمینی را دولت عراق انجام داده بود. اما وی به همکاری دولت عراق احترام نگذاشته بود.

البته باید در نظر داشت آیت‌الله خمینی فعالیت وسیعی در تهییج و تحریک مردم عراق انجام نداد و به صدور تعداد محدودی پیام و سخنرانی تا قبل از جنگ بسنده کرد. اما همین موارد در مشتعل کردن آتش درگیری بین دو کشور تاثیر به‌سزایی داشت. حکومت و به‌خصوص نهادهای انقلابی و بخش‌های افراطی کمک‌های سیاسی، رسانه‌ای و مالی در اختیار انقلابیون شیعی عراقی قرار دادند و عملا ایران را به مرکز اصلی فعالیت اپوزیسیون مذهبی عراق بدل ساختند.

در عین حال دولت وقت عراق نیز به حمایت از نیرو های هویت طلبی قومیتی و دخالت در درگیری‌ها در استان‌های خوزستان و کردستان پرداخت.

تحریکات آیت‌الله خمینی در خصوص تشویق مردم عراق به راه اندازی انقلاب اسلامی را می‌توان به‌شرح زیر دسته‌بندی کرد:

پیام برای پذیرش مهاجران عراقی

پس از اینکه دولت عراق اولین موج اخراج عراقی‌های ایرانی تبار را شروع کرد. آیت‌الله خمینی طی پیامی در تاریخ 20 فرودین 1359 چنین گفت: »ملت شریف ایران، میهمانان عزیزی که به توطئه آمریکا و دست جنایتکار رژیم منحرف بعث عراق با از خانه‌های خود آواره شده‌اند و با وضع اسفناک فجیعی فرستاده شده‌اند را گرامی دارید.... صدام حسین که با ملت شریف عراق مواجه شده است و خود را در معرض هلاکت می‌بیند می خواهد با صحنه سازی‌ها اذهان برادران اسلامی ما را از خود و رژیم منحط خود منصرف کند تا چند صباح دیگر به جنایات خود ادامه دهد. آنکه دستش تا به مرفق به خون جوانان غیور عراقی آلوده است، می‌خواهد خود را طرفدار ملت عرب جا بزند آنکه به خیال خود عربیت را از اسلام والاتر می داند. به اسلام پشت کرده به زعم آنکه ملت های عرب را به خود متوجه کند. غافل است که ملت عزیز عرب از اسلام چون جان شیرین حفاظت می‌کند و با دشمنان اسلام چون اسلاف خود در صدر اسلام به جنگ وستیز بر می‌خیزد- برادران عرب ما بدانند که ملت عزیز ما با دشمنان آنان که در راس آنها رژیم منحوس بعث است دشمن و با دوستان آن دوستند و در مصیبت‌هایی که آنان از آن رژیم فاسد می‌کشند، با آنان شریک هستند. به امید آنکه رژیم بعث چون رژیم شاهنشاهی به زباله‌دان تاریخ افکنده شودو امید است نصر و فتح مسلمین نزدیک باشد« **(۱)**

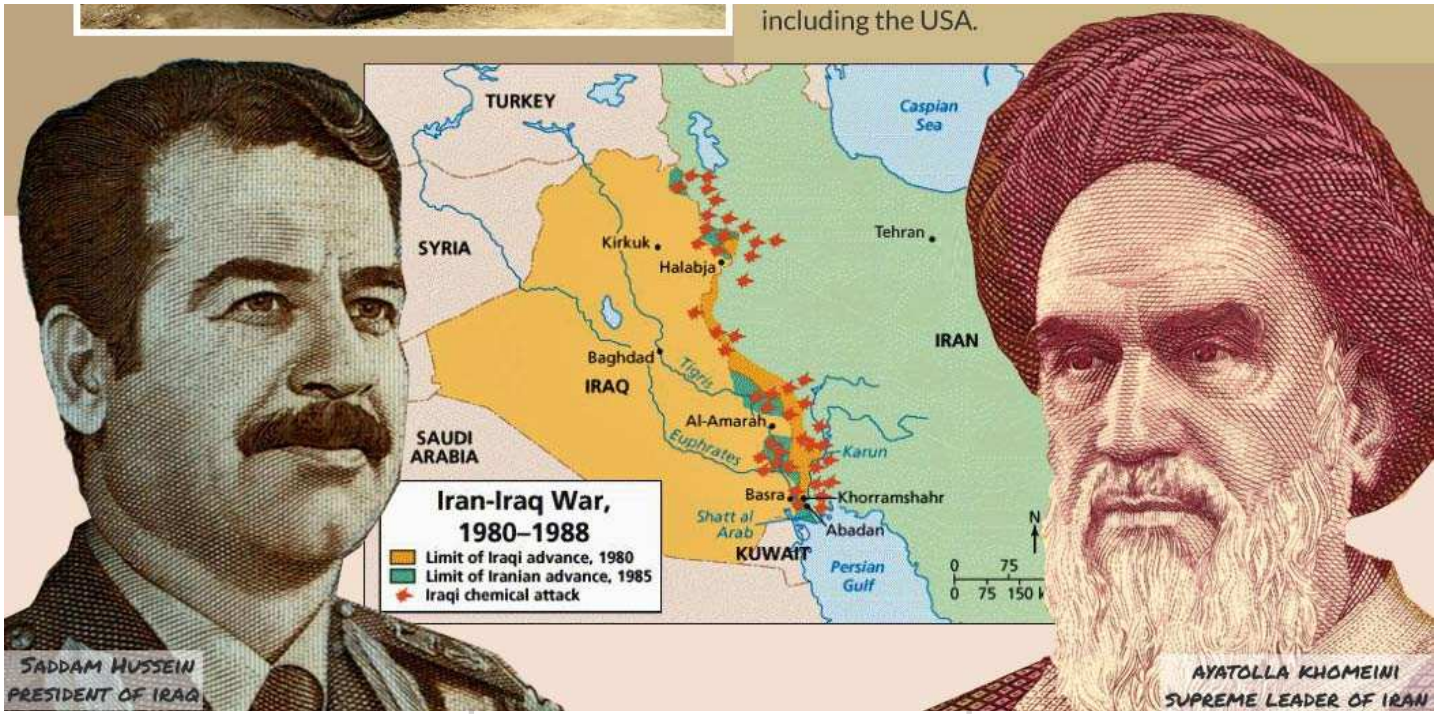

دعوت ارتش عراق به قیام علیه صدام حسین

تیتر اول شماره شنبه ۳۰ فروردین ۱۳۵۹ روزنامه کیهان

آیت‌الله خمینی در تاریخ ۲۸ فروردین ۱۳۵۹ در دیدار با اعضاء ستاد بسیج شهرستان‌ها گفت: «دولت عراق دولتی است که یک عده نظامی آمده‌اند و دور هم نشسته‌اند و خودشان هرچه می‌خواهند می‌کنند. اینها پوسیده هستند، این صدام حسین عقلش هم عقل درستی نیست و پوسیده است و همه حرفهایش این است که ما عرب هستیم. معنایش این است که ما عرب هستیم و اسلام نمی خواهیم ... ارتش اینها از همین مسلمان‌ها، از همین اهل سنت هستند، از همین شیعه‌ها هستند. خب ارتشی که از مسلمین است قیام می‌کند. ملت شریف عراق خودش را از چنگ اینها بیرون بیاورد. ارتش عراق باید توجه به این معنا داشته باشد که اینها را خودش سرکوب کند و خودش از بین ببرد».

تقاضای کمک وزارت خارجه از دول اسلامی

صادق قطب‌زاده وزیر خارجه وقت طی نامه ی به دول اسلامی خواستار نجات جان سید محمد باقر صدر رهبر شیعیان مخالف صدام در عراق شد. او در این نامه خواستار پیمان آسمانی کشور های اسلامی می‌شود و می‌گوید امروز روز نابودی حکومت بعث عراق شبیه حکومت شاه است. در بخشی از این نامه آمده است : «جمهوری اسلامی ایران دیگر سکوت و مدارا را در مقابل این همه جنایت [توطئه قتل محمد باقر صدر] جایز نمی‌داند، و مبارزه با این رژیم منفور را جزئی از مبارزه خود با امپریالیزم و صهیونیزم بین‌الملل تلقی کرده، تجاوز نظامی رژیم بعث عراق را به شدید ترین وجه جواب می‌دهد(2) »

این نامه تقریبا به معنای اعلان جنگ است. با توجه به رابطه نزدیک قطب‌زاده با آیت‌الله خمینی غلط نیست اگر گفته شود این نامه با نظر مثبت وی منتشر شده است.

پیام تسلیت به مناسبت کشته شدن سید محمدباقر صدر

آیت‌الله خمینی با صدور بیانیه‌ای در تسلیت کشته شدن آیت‌الله محمد باقر صدر با خطاب قرار دادن نیرو های میانی و رده پایین ارتش عراق می‌گوید : « ... من از رده بالای ارتش عراق مایوس هستم لکن از افسران، درجه‌داران وسربازان مایوس نیستم و از آنان چشم‌داشت آن دارم که یا دلاورانه قیام کنند و اساس ستمکاری را برچینند همان سان که در ایران واقع شد و یا از پادگان‌ها و سربازخانه‌ها فرار کنند و ننگ ستمکاری حزب بعث را تحمل نکنند. من از کارگران و کارمندان دولت غاصب بعث مایوس نیستم و امیدوارم که با ملت عراق دست به دست هم بدهند، و این لکه ننگ را از کشور بزدایند. (۳)

طبق ادعای روزنامه جمهوری اسلامی، پیام‌های آیت‌الله خمینی و دعوت وی به براندازی حکومت عراق به زبان عربی ترجمه شده و در بین نظامیان و مردم عراق توزیع شده بود. (۴)

آیت‌الله خمینی همچنین با درخواست سید محمد باقر صدر برای حضور در ایران مخالفت می‌کند و اصرار می‌کند او در عراق بماند و رهبری قیام شیعیان عراق را در دست بگیرد.

با توجه به اینکه آیت‌الله خمینی نفر اول حکومت ایران و قدرتمندترین فرد در تصمیم‌گیری‌ها بود لذا اظهارات وی به معنای دخالت و تشویق شورش در عراق تفسیر می‌شد.

بی‌اعتنایی به هشدار های صدام

ادعاها و گزارش‌های متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد آیت‌الله خمینی علی‌رغم آگاهی از تهدیدات صدام و برنامه‌ریزی دولت عراق برای حمله نظامی، بی‌اعتنایی اختیار کرده و از اقدام لازم برای بازدارندگی خودداری کرده است. این موارد به شرح زیر هستند.

دیدار سید محمود دعایی

سید محمود دعایی می گوید چندین مورد با آیت‌الله خمینی در خصوص برنامه‌ها و مقاصد دولت عراق صحبت کرده است و گفته آنها خواهان تعیین یک مذاکره کننده رسمی خارج از دولت موقت از سوی آیت‌الله خمینی هستند تا با خود صدام مذاکره نماید، اما آیت‌الله خمینی می‌گوید به حسن نیت عراقی‌ها اعتماد ندارد و قصد آنها فریب است و موضوع را به بعد از تشکیل دولت و مجلس احاله می‌دهد. البته مهندس بازرگان روایت دیگری از رایزنی دعایی داشت که در سالیان گذشته توسط پسرش عبدالعلی بازرگان بیان شد. طبق این روایت که دعایی آن را تکذیب کرد، صدام به دعایی می‌گوید به ایران برود و به آیت‌الله خمینی پیغام دهد که اگر ایران از تحریم قومی و مذهبی در عراق دست بر ندارد به کشور حمله نظامی می کند. دعایی پیغام را می‌دهد و تصریح می‌کند صدام را می‌شناسد و تهدیدش را جدی باید گرفت. اما آیت‌الله خمینی در این دیدار که آیت‌الله بهشتی و مهندس بازرگان نیز حضور داشتند، می‌گوید ادعای صدام بلوف است. دعایی به گریه می‌افتد اما باز هم تاثیری نمی‌کند و در نهایت آیت‌الله خمینی به وی تکلیف

می‌کند که به سر کارش بر نگردد.

روایت عباس امیر انتظام

مهندس عباس امیر انتظام گزارش می‌دهد بخش‌هایی از جامعه اطلاعاتی آمریکا از جمله »ستاد هشدارهای استراتژیک شورای امنیت ملی آمریکا « در شهریور ۱۳۵۸ با امیر انتظام تماس گرفته و اخباری مبنی بر قصد عراق به حمله نظامی می‌دهند. در نهایت در جلسه‌ای که مهندس بازرگان و دکتر ابراهیم یزدی حضور داشته‌اند، اطلاعاتی از سوی نمایندگان دولت آمریکا ارائه می‌شود. امیر انتظام مدعی است آیت‌الله خمینی در جریان این اطلاعات بوده اما دکتر یزدی می گوید اطلاعات در مورد احتمال حمله عراق به ایران، برای ما چندان تازه و جالب نبود... اطلاعات خود ما از تحرکات عراق در مرزهای ایران به مراتب بیشتر از آن عکس‌های هوایی بود. مدارکی دال بر اطلاع آیت‌الله خمینی از محتوی این دیدار در دست نیست. اما دکتر یزدی مدعی است آیت‌الله خمینی و اعضاء شورای انقلاب در جریان اراده دولت عراق برای حمله نظامی به ایران بوده‌اند.

روایت ابوالحسن بنی صدر

بنی صدر مدعی است حداقل دو مورد موثق درباره اطلاع آیت‌الله خمینی از احتمال حمله عراق به ایران و بی‌توجهی او به این مسئله وجود دارد: »گزارش ستاد ارتش که به دستور من با نفوذ در عراق تهیه شده بود و توسط سرلشگر ولی‌الله فلاحی فرمانده نیروی زمینی ارتش و رئیس اداره اطلاعات وقت ارتش به خمینی گزارش شد و گزارشی که با تصویب شورای انقلاب و توسط صادق قطب‌زاده به مبلغ ۲۰۰ هزار دلار خریداری شده و به آقای خمینی ارائه شده بود«.

او اشاره‌ای به اینکه این گزارش از کجا خریداری شده بود نمی‌کند اما می‌افزاید که پاسخ رهبر نخست جمهوری اسلامی به تمام این هشدارها و گزارش ها درباره احتمال قریب به یقین حمله عراق به ایران، بی‌توجهی محض بود: »خمینی گفت اینها همه‌اش دروغ است. ارتشی‌ها اینها را می‌سازند تا پای آخوند را از قشون قطع کنند«.

مهدی کتیبه سرهنگ بازنشسته و رئیس وقت اداره دوم ارتش می‌گوید دو هفته قبل از جنگ از تصمیم ارتش عراق برای حمله نظامی به ایران مطلع و با تهیه گزارشی بنی صدر را در جریان قرار می‌دهد. بنی صدر پیشنهاد می‌دهد گزارش را به آیت‌الله خمینی هم بدهند. او و ولی‌الله فلاحی پیش آیت‌الله خمینی می‌روند و گزارش را به همراه نقشه جابه‌جایی نیرو های ارتش عراق برای وی توضیح می‌دهند. آیت‌الله خمینی آنها را به دیدار با رجایی، خامنه‌ای و رفسنجانی احاله می‌دهد. سرانجام موضوع به گزارش در صحن علنی مجلس در جلسه خصوصی منتهی می‌شود که نتیجه مشخصی ندارد.

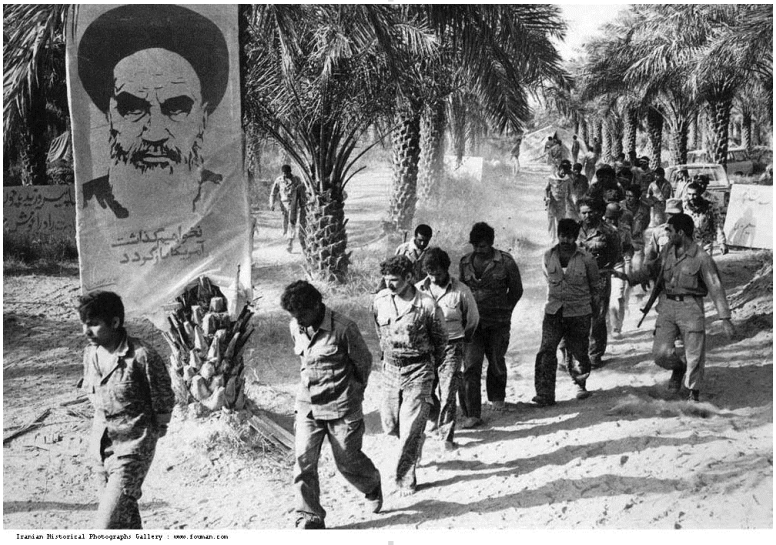

روایت منصور فرهنگ

منصور فرهنگ تعریف می‌کند پیش از دیدار با صدام در اجلاس کشور های غیرمتعهد همراه با دکتر یزدی دیداری با آیت‌الله خمینی داشته‌اند: »من شاهد بودم که آقای یزدی پس از توضیح کوتاهی درباره اهمیت قرارداد الجزایر و مثبت بودن آن برای ایران، از آیت‌الله خمینی سوال کرد که "چنانچه عراقی‌ها در طی ملاقاتی که در کوبا با آنها خواهیم داشت جویا شوند که آیا ما قرارداد الجزایر را می‌پذیریم یا خیر و پاسخ ما چه باید باشد؟" آیت‌الله خمینی مکث کوتاهی کرد و گفت: "نه بگویید آری، نه بگویید نه«."

حالت چهره آقای یزدی بعد از شنیدن این "راهنمایی" بیانگر تعجب و نگرانی او از برخورد آیت‌الله خمینی با مسائل سیاست خارجی کشور بود.

هنگام بازگشت از قم به تهران از آقای یزدی سوال کردم که آیت‌الله خمینی با چه حساب و منطقی از تایید قرارداد الجزایر امتناع می‌کند؟ پاسخ او این بود که آیت‌الله خمینی هیچ توجهی به محتوا و اهمیت قرارداد و پیامدهای مبهم گذاشتن موضع ایران ندارد، بلکه در ذهن او این نکته حاکم است که شاه و صدام حسین – دو مردی که مورد نفرت او هستند – این قرارداد را امضا کرده اند و لذا تایید آن برای آیت‌الله خمینی، اکراه‌آور است«.

دلایل و استنادات پیش گفته مسئولیت آیت‌الله خمینی در آغاز و شکل‌گیری جنگ ۸ ساله خانمان‌سوز ایران و عراق را روشن می‌سازد. البته سهل‌انگاری و عدم اقدام موثر فقط مشمول وی نمی‌شود و دیگر بخش‌های حکومت و نهادهایی چون دولت موقت، شورای انقلاب، ریاست جمهوری، سپاه و ارتش نیز به فراخور در این خصوص قصور و کوتاهی‌هایی دارند که پرداختن به آنها خارج از حوصله این مطلب است.

همچنین مراجعی چون آیت‌الله سید محمد شیرازی نیز در آن دوران با حمایت از مواضع تحریک‌آمیز آیت‌الله خمینی و دعوت از ارتش و قبایل عراق برای قیام علیه صدام نیز در مساعد کردن فضا برای تهاجم نظامی عراق به خاک ایران تاثیر داشتند. (۵)

منابع:

۱- روزنامه جمهوری اسلامی ، مورخ 21/01/1359 ، ص 12 ، شماره 249

۲ - روزنامه جمهوری اسلامی ، مورخ 28/01/1359، ص 1، شماره 255

۳ - روزنامه ا جمهوری اسلامی، مورخ 03/02/1359. ص 2، شماره 260

۴ - روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ 14/03/1359 ، ص 4، شماره 293

۶ -روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ 24/01/1359، ص 4 ، شماره 251

پیام امام بمناسبت آغاز سال تحصیلی و تجاوزات مزدوران آمریکا
امیدوارم کار به آنجا نرسد و اگر برسد دیگر بغدادی باقی نخواهد ماند
رئیس جمهوری: خونسرد باشید، آرام باشید مطمئن باشید
اطلاعات
۱۶ صفحه
۱۴۰ فروند جنگنده ایران ۱۵ پایگاه نظامی عراق را منهدم کردند
۲۲ میگ عراقی سرنگون شد
مرگ رژیم حاکم عراق فرا رسیده است
صدای زنگ مدارس امروز ناقوس مرگ امریکاست
حرکات عراق، بخشی از توطئه امریکاست
امروز منتشر شد

جهه ملی ایران - هلند

بعد از حمله عراق

حتی بعد از حملات گسترده زمینی و هوایی عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ باز آیت‌الله خمینی قضیه جنگ را جدی نگرفت و در پیامی تلویزیونی خطاب به مردم ایران و عراق می‌گوید :»یکی اینکه گمان نکند ملت ما که دولت ایران و ارتش ایران عاجز از این است که جواب به اینها بدهد.

هر وقتی که مقتضی بشود من پیامی به ملت خواهم داد و به صدام حسین و امثال او خواهم ثابت کرد که اینها، این اذناب امریکا قابل ذکر نیستند و ما همیشه بنا داریم که در این برخوردها، طوری برخورد بشود که جواب برخورد آنها داده بشود که به ملت عراق- خدای نخواسته- صدمه‌ای وارد نشود.

ملت ایران نباید خیال بکنند که جنگی شروع شده است و حالا فرض کنید که دست و پای خودمان را گم کنیم. نه، این حرفها نیست. یک چیزی آوردند و یک بمبی اینجا انداختند و فرار کردند، رفتند. الآن هم دولت ایران جواب آنها را مشغولند که جواب آنها را بدهند و می‌دهند جواب آنها را. قوای بحریه‌شان بکلی از بین رفته است و قوای بریّه‌شان هم از بین خواهد رفت. شما خیال نکنید که یک چیزی است. این جنگ‌های متعددی که واقع شده است یک مقدارش هم نصیب ایران شده است که من هر دو جنگ را یادم هست. هیچ، ابداً مسئله‌ای نیست.

شایعات یا چیزهایی را اگر دشمن‌های ما، این احزاب مختلفی که الآن در ایران هستند، این گروه‌ها و گروهک‌هایی که در ایران هستند، حالا اگر فرصت می‌خواهند به دست بیاورند و شایعه‌سازی کنند و هی تلفن کنند به این طرف و آن طرف که چه شده است، چه شده، کودتا شده- نمی‌دانم- این حرفها در کار نیست.

این یک دزدی آمده است یک سنگی انداخته و فرار کرده، رفته است سر جایش. دیگر قدرت اینکه تکرار بکند انشاءاللّه ندارد. من به ملت ایران سفارش می‌کنم که چند جهت را ملاحظه کنند: یک جهت اینکه خونسردی خودشان را حفظ کنند.

و یک حرفی [هم] که با ارتش عراق دارم این است که ارتش عراق با کی جنگ می‌خواهد بکند؟ طرفدار کی هست و مخالف کی؟ طرفدار صدام است که اشتراکی است و کافر است؟! بر ضد کی؟ بر ضد اسلام؟ ارتش عراق باید بداند که این آدم که حالا آمده است اسم علی‌بن ابی‌طالب- سلام‌اللّه علیه- را می‌آورد و اسم حسین بن علی- سلام‌اللّه علیه- را می‌آورد، این دشمن اینهاست؛ این شخص با اینها دشمن است، با اسلام اصلاً دشمن است این.

ارتش عراق باید بداند که این جنگ، جنگ با اسلام است به هواداری کفر و یک همچو جنگی بر خلاف رضای خداست و خدای تبارک و تعالی نخواهد بخشید بر آن کسانی که قیام کنند بر ضد اسلام به واسطه همراهی با کفر، که هم خود صدام حسین- به حسب حکم شرعی- کافر است و هم این طرفدار کفّار است، ... طرفدار کارتر است و به واسطه طرفداری از کارتر و گرفتن قوا از او، دارد به ایران حمله می‌کند و کارتر این نوکرهای خودش را مثل صدام حسین و مثل سادات و امثال اینها را وادار کرده است که به ایران حمله بکنند یا به ایران صدمه بزنند.

ملت عراق و ملت مصر باید بدانند این معنا را که اگر- خدای نخواسته- با ایران طرف بشوند و ارتش عراق با ایران طرف بشود، طرف شدن با اسلام است و ضرر زدن به اسلام و ضرر زدن به پیغمبر اسلام است به طرفداری از کفر، به طرفداری از صدام، به طرفداری از کارتر.

ملت عراق باید بدانند که این جرثومه فساد همان طوری دارد با شما عمل می‌کند که محمدرضا با ایران عمل می‌کرد. ما محمد رضا را بیرون کردیم و شما هم باید این شخص را بیرون بکنید از عراق.

تا قیام نکنید و تا مقابله نکنید با این جرثومه فساد، این می‌خواهد اسلام را از بین ببرد و می‌خواهد عربیّت را به خیال خودش- آن هم نه اینکه واقعاً عقیده دارد به او- می‌خواهد او را جانشین کند و همچو خیالی هم ندارد«

ملت ما و انقلاب اسلامی ما را نشناخته است.
آیت‌الله صانعی آنگاه با اشاره به فرا رسیدن ماه محرم ضمن تاکید بر برگزاری مراسم سوگواری بهمان سنت و شیوه گذشته به سخنان امام حسین(ع) که فرمود که حتی اگر پناهگاهی برای ما نباشد با یزید وامثال یزید سازش نخواهم کرد افزود: ملت مسلمان ایران از امام خود این درس بزرگ را فرا گرفته و با رژیم عراق که بدتر از یزید است و با اسرائیل امریکا و فرانسه که علیه حکومت اسلامی میجنگند سازش نخواهند کرد ملت ما اکنون راه حسین را ادامه میدهد ونوجوانان ما با پای قطع شده از زندانهای رژیم صهیونیستی عراق بر خلاف ظالمان حاکم بر عراق سخن میگویند درست مانند فرزندان دلیر امام حسین(ع) که در اسارت یزید از اسلام دفاع کردند ملت ما با الهام از نهضت امام حسین(ع) تا
مباحثات

خوان یغما

حکام به غارت ید طولا دارند

بس دست قوی به خوان یغما دارند

امروز هر آنچه هست دزدند وبرند

هرگز نه غم از کیفر فردا دارند

ادیب برومند

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر «حسن روحانی»
نائب رئیس اول مجلس شورای اسلامی در اجتماع دانشجویان بسیجی:

شعار زیبای مرگ بر آمریکا در کشور ما وحدت آفرین شده است

از روزی که دشمنان در آمریکا بعد از ۱۴ سال غیبت و شکست توانستند به کمک پول و ابزار تبلیغاتی صهیونیستها به صحنه برگردند علیه جمهوری اسلامی ایران دشمنی را ...

● سخنان رئیس کمیسیون دفاع مجلس

بر اساس این گزارش، سخنران قبل از خطبه‌های نماز جمعه دیروز تهران حجت الاسلام روحانی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و رئیس کمیسیون دفاع مجلس بود که طی سخنانی پیرامون جهاد و جنگ از دیدگاه اسلام با طرح این سئوال که آیا جنگ و پیکار در میان انسانها، مخصوص دوران و زمان خاصی میباشد؟ گفت: وقتی قرآن مجید را ورق میزنیم می بینیم از آغاز خلقت انسان بحث پیرامون خونریزی و کشتار بوده است. مسئله عداوت، کینه توزی، خونریزی از آغاز تاریخ بشدت در قرآن مطرح شده است. قرآن در مورد تاریخ انبیاء نیز میگوید: مردان بحقی که در کنار انبیاء مشغول پیکار بودند هرگز سستی و ضعف را بخود راه نمی دادند و هرگز از میدان نبرد کناره‌گیری نمی کردند. جنگ و نبرد و جهاد مخصوص پیامبر اسلام نیست در دوران تمامی انبیاء وظیفه مقدس جهاد برای مردان خدائی وجود داشته است.

جنگ و جهاد و مبارزه مخصوص زمان و دوران خاصی نیست متأسفانه از دیرباز تاریخ بشریت با جنگ توأم بوده و امروز و فردا نیز چنین خواهد بود. اگر کسی بگوید که در آینده بشر به تمدنی می رسد که حاضر باشد تمام سلاحهای خود را منهدم کند و صلحی پایدار بسازد قطعا ساده اندیشی کرده است. از هیچیک از قدرتهای موجود این کار بر نمی آید. وی با اشاره به روایاتی از ائمه اطهار مبنی بر اینکه اگر دشمنان شما تن به صلح دادند و در برابر حق و عدالت تسلیم شدند شما هم در مسیر صلح حرکت کن گفت: امروز کسی با صلح مخالف نیست آنچه دشمنان ما به ما پیشنهاد میکنند صلح نیست تسلیم شدن و خواری و ذلت انسانهای حق جو و شکستن بانک تهاکر و تشویق متجاوز است وگرنه اگر کسی بخواهد در مقابل عدالت تسلیم شود، کسی مخالف صلح با او نخواهد بود و آنهائی که فریاد صلح سر می دهند، میخواهند از این کلمه سوء استفاده کنند.

تاریخ انقلاب

موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تمایه - کثیرالنشر مطبوعات

اطلاعات

۱۶ صفحه

جزئیات طرح قانونی تشکیل تعاونیها تشریح شد

دعوت کنیی امیر کویت برای شرکت در اجلاس سران کشورهای اسلامی تقدیم رئیس جمهوری شد

در گزارش صریح و صمیمی رئیس مجلس به مردم در سالروز اشغال لانه جاسوسی آمریکا

ماجرای ورود غیرقانونی نمایندگان ریگان به ایران فاش شد

ensafnews.com
ISNA PHOTO: RECEIVED

جبهه ملی ایران - هلند